

به نام پروردگار مهربان

کاملترین مرجع

جلد ۱ / تعلیم و تربیت اسلامی

درسنامه + تست

«مهارت معلمی + دین و زندگی» واقعاً جامع کنکور فرهنگیان

حامد دورانی، سیدهادی هاشمی،
زهرا جعفری یزنی

۱۱۸۵ تست
درسنامه جامع
پاسخ مفصل

مشترک همه رشته‌ها





مهارت معلمی

پرسش	درسنامه
۱۷	۶
۶۰	۳۱
۱۰۴	۷۵

فصل اول = ارزش و امتیاز کار معلمی

فصل دوم = صفات معلم

فصل سوم = وظایف معلم



دین و زندگی = پایه دهم

۱۲۷	۱۲۲	درس ۹ (انسانی) / درس ۸ (ریاضی و تجربی) = آهنگ سفر
۱۳۹	۱۳۵	درس ۱۰ (اختصاصی انسانی) = اعتماد بر او
۱۵۲	۱۴۶	درس ۱۱ (انسانی) / درس ۹ (ریاضی و تجربی) = دوستی با خدا
۱۶۹	۱۶۲	درس ۱۲ (انسانی) / درس ۱۰ (ریاضی و تجربی) = یاری از نماز و روزه
۱۸۴	۱۸۰	درس ۱۳ (انسانی) / درس ۱۱ (ریاضی و تجربی) = فضیلت آراستگی
۱۹۵	۱۹۱	درس ۱۴ (انسانی) / درس ۱۲ (ریاضی و تجربی) = زیبایی پوشیدگی



دین و زندگی = پایه یازدهم

۲۱۱	۲۰۴	درس ۱۶ (انسانی) / درس ۱۱ (ریاضی و تجربی) = عزت نفس
۲۲۴	۲۱۹	درس ۱۷ (اختصاصی انسانی) = زمینه‌های پیوند
۲۳۵	۲۳۱	درس ۱۸ (اختصاصی انسانی) = پیوند مقدس
۲۴۷	۲۴۰	درس ۱۲ (اختصاصی ریاضی و تجربی) = پیوند مقدس



پاسخنامه

۲۵۸	پاسخنامه تشریحی
۳۰۹	پاسخنامه کلیدی



خلاصه نموداری



۱ معلمی شغل نیست، عبادت است

از چنان قداستی برخوردار است، که وصف «شغل»، معلمی را سبک می‌کند. یک وظیفه الهی و یک کار مقدس است (علت)، زیرا **عبادتی چند منظوره** است. (معلول) انتقال علم و تجربه، انقاد غریق و کلید عزت، بصیرت و مصونیت است. شغل **خدا و جبرئیل** است: «الرحمن و علم القرآن»
بیشترین توصیف انبیا در قرآن این است که کارشان **تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه** بوده است: «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»
در سیزده آیه قرآن، واژه «یستلوتک» نشان می‌دهد که پیامبر (ص)، معلم مردم بوده است. معلمی حامل معانی بلندی است (علت) و تقلیل آن به یک شغل ساده **کوتاه بینی** است. (معلول)

۲ معلمی یک انتخاب صحیح است

مهم است که در شغل با چه چیزی سروکار داریم. معلم روی انسان‌ها کار می‌کند و با **روح و قلب و جان انسان‌ها** سروکار دارد. معلم مشغول توزیع علم است. اثر معلم روی شاگرد گاهی تا قیامت باقی می‌ماند و ادامه پیدا می‌کند. آیت‌الله گلپایگانی در نکوهش طلابی که به شاه خدمت می‌کردند: «اگر طلبه‌ای به جای تبلیغ و تحصیل دین، سراغ دربار رفت و بازوی آنان شد، نگوید رفتم، بلکه بگوید: **لیاقت نداشتم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت.**»
سخن آیت‌الله گلپایگانی (علت) سبب بیمه شدن دیگر طلاب در برابر توطئه دربار شد. (معلول)
خدمت به انسان‌ها با تولید و توزیع و مصرف علم و حیات بخشیدن به دل و جان انسان‌ها، **گام برداشتن در مسیر انبیاست** و مشغول شدن به کاری جز این برای معلم، **خسارت** است.

۳ معلمی در نگاه معصومین (ع) جایگاه رفیع دارد

در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی با تعبیراتی چون **معلم، مربی یا پدر** یاد شده است. جایگاه ممتاز معلمان:
رسول خدا (ص): «**بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.**»
رسول خدا (ص): «**راهتمایی کتنده به راه خیر، مانند انجام دهنده آن است.**»
امام باقر (ع): «**تمام جنتندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم دهنده امور نیک استغفار می‌کنند.**»
امام حسین (ع) به معلم فرزندش صد دینار هدیه دادند و در پاسخ به اعتراض مردم فرمودند: «**أَيْنَ يَقَعُ هَذَا مِنْ عَطَانِهِ يُغْنِي تَعْلِيمَهُ: این مبلغ، در قبال تعلیمات او چه ارزشی دارد؟**»

۴ تربیت، کار خداست

در قرآن خداوند بیشترین مرتبه با «الله» و سپس با «رب» توصیف شده، یعنی **ربوبیت زمانی کامل می‌شود که براساس علم، حکمت، مصلحت و رحمت باشد.** معلم فقط علم آموزش نمی‌دهد، بلکه همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به شاگردان منتقل می‌کند. ابزارهای خداوند برای تربیت که معلم هم باید بهره‌مند باشد: منطق و برهان - احساس و عاطفه - مثال و تشبیه - تاریخ و داستان - بیان الگوهای مثبت و منفی - هنر و اخلاق - وعده و تهدید
هر چه معلم از **ابزارهای الهی** برای تربیت بیشتر بهره‌مند باشد (علت)، **توفیقات او بیشتر و بهتر** می‌تواند دانش‌آموزان را تربیت کند. (معلول)
از «عالم دینی» به «عالم ربانی» تعبیر می‌شود، یعنی عالمی که **سروکارش با پروردگار است، صفت ربوبیت** را از خدا می‌گیرد و به دیگران منتقل می‌کند. امام سجاد (ع) در دعای مکارم‌الاخلاق: «**الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی**» معلمی که به این مقام می‌رسد، با استفاده از ابزارهای الهی در مسیر رضای خدا، **انسان‌های خدایی تربیت می‌کند.**

۵ معلم کار پنج گروه از مهندسان را انجام می‌دهد

گروه اول: مهندسی که کشف معدن می‌کند. ← معلم نیز استعدادهای شاگردش را کشف می‌کند.
گروه دوم: مهندسی که استخراج مواد می‌کند ← معلم نیز شاگرد را از انحرافات خارج می‌کند.



گروه سوم: مهندسی که ذوب مواد می‌کند. ← معلم نیز با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه‌مند می‌کند.
گروه چهارم: مهندسی که قطعه‌سازی و طراحی قطعات ماشین می‌کند. ← معلم نیز با تدریس و تعلیم و تربیت، شاگرد را می‌سازد.
گروه پنجم: مهندسی که مونتاژ قطعات و نظارت بر آن‌ها می‌کند. ← معلم نیز با سعه صدر، تربیت شدگان را به هم متصل می‌کند و جامعه را تشکیل می‌دهد.
معلم کار پنج گروه از مهندسان را نه بر روی جمادات، بلکه روی «انسان» که صاحب روح است انجام می‌دهد این موضوع، پیچیدگی کار معلمی را می‌رساند.

۶ معلم با گران‌ترین گوهر هستی سروکار دارد

تقسیم‌بندی موجودات: جمادات، نباتات، حیوانات، انسان‌ها
معلم که تربیت انسانی با قابلیت رشد بی‌نهایت را بر عهده دارد کارش با بقیه مشاغل که روی جمادات و نباتات و حیوانات کار می‌کنند قابل قیاس نیست.
رشد هر چیزی محدود است، جز انسان. ارزش هر چیزی محدود است، جز انسان.
وصیت‌نامه شهیدی که در مسجد تربیت شده است: «جسمم را به خاک، روحم را به خدا و راهم را به شما می‌سپارم.»
انسانی که درست تربیت شود از فرشته برتر می‌شود و اگر منحرف گردد از حیوانات پست‌تر می‌شود: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» که علت این انحراف غفلت است: «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»

انواع غفلت:

- ۱ غفلت از خدا: «نسوا الله»
- ۲ غفلت از قیامت: «نسوا يوم الحساب»
- ۳ غفلت از وظیفه خود: «كذلك أتتك آياتنا فتنسىتها»
- ۴ غفلت از محرومان: «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ»
- ۵ غفلت از توانمندی‌های خود و ارزش ذاتی وجودی انسان
- ۶ غفلت از ارزش عمر خود

کار و وظیفه معلم در برابر غفلت‌ها: زدودن غبار غفلت، بیدار کردن انسان‌های خوابیده و غافل از گوهر عمر و زندگی

۷ کار روی فکر افراد ماندگار است

از مسئله‌های برتری اعمال، ماندگاری آثار آن است. مثال: درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خدا برای ماندگاری در تاریخ: «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» خداوند نیز دعایش را مستجاب کرد: «وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِمْ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ»
ایمان، به تنهایی کافی نیست و هدایت الهی باید تداوم داشته باشد (مکمل ایمان، تداوم هدایت): «سَيَهْدِين» زیرا فریاد توحید در تاریخ می‌ماند، حتی اگر مردم به آن گوش نکنند: «كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ»
حضرت ابراهیم (ع) برای نسل خود نیز دعا می‌کرد: «خدایا رهبری امت و اقامه نماز را در ذریه من قرار بده»
ماندگارترین کار، تعلیم و تربیت است که روی نسل جوان تأثیرپذیری و ماندگاری آن بیشتر است.

۸ کلاس‌داری را ساده نگیریم

آیت‌الله گلپایگانی «معلمی» را بیشتر از «فقیه شدن» مورد نیاز جامعه دانسته‌اند و آن را مورد رضایت امام زمان (عج) بیان کرده‌اند.
آیت‌الله مشکینی درباره اهمیت معلمی فرمودند: «من حاضرم پاداش تدریس برای صدها طلبه فاضل را به تو بدهم و در مقابل پاداش این کلاس بیست نفری و تدریس برای بچه‌ها را به من بدهی.»
مدرسه و دانشگاه، کارخانه انسان‌سازی است و در کلاس، آینده انسان رقم می‌خورد و افراد از پرتگاه‌های جهالت دور می‌شوند و مسیر زندگی و نقشه راه یک انسان تغییر می‌کند.

۹ معلم ربّانی، هادی و ناجی بشر است

آموزش و تحصیلات هم دامی است برای تحصیل‌کردگان و ایجاد وابستگی‌شان به ابرقدرت‌ها و هم وسیله نجات بشر از شر طاغوت‌ها یکی از شاخصه‌ها و اهداف بزرگ حضرت موسی (ع) نجات بنی‌اسرائیل از شر فرعون بود: «أَنْ أَرْسَلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»
نشانه فقیه، آزاد کردن مردم از شر دشمنان است: «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»
یکی از وظایف انبیا در قرآن، رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهاست: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»
رشته‌های تحصیلی رفاه زیادی را آورده‌اند، اما بشر را آزاد نکرده‌اند: زیرا علم هست ولی ثمره علم نیست.
علم حقیقی (علت)، نگاه انسان را توحیدی می‌کند (معلول): «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ» - «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ»
کسی که علم واقعی داشته باشد (علت)، در تشخیص دنیا و آخرت اشتباه نمی‌کند (معلول): مانند عالمانی که به کسانی که به ثروت قارون حسادت می‌کردند، گفتند: «وَيَلْجَأُ ثَوَابَ اللَّهِ خَيْرٌ»
گرفتن مدرک نشانه بلوغ عقل و کمال انسانیت نیست (علت)، زیرا عالم ربّانی باید حیات‌آفرین و نجات‌بخش باشد. (معلول)
مشکل بزرگ امروز جامعه بشری: جدا شدن مادیات از معنویات، جدا شدن دنیا از آخرت، و در یک کلام جدا شدن علم از دین است. جدا شدن «اقرأ» از «باسم ربک» یا جدا شدن «يُعَلِّمُهُم» از «يُزَكِّيهِم».

هتر معلم: آموزش مسائل علمی با نگاه توحیدی و تربیتی است، نه آموزش خواندن و نوشتن و مسائل پیچیده
ثمره آموزش با نگاه توحیدی: شکوفایی علم، حلم، حیات قلب، استقامت، معرفت و انسانیت
معلم ربّانی، هادی و ناجی است و ارزش کار او به حیات دل‌ها و نجات انسان‌هاست.

۱۰ کار خود را مقدس بدانیم

علم را باید مقدس دانست به دو دلیل:

۱) خداوند به قلم قسم خورده است: «وَ الْقَلَمِ»

۲) خداوند به آنچه نوشته می‌شود قسم خورده است: «وَ مَا يَسْطُرُونَ»

اسلام برای آموزش محدودیتی ندارد: ۱- نامحدود بودن علم از نظر زمانی در سخن پیامبر (ص): «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» ۲- نامحدود بودن علم از نظر مکانی در سخن پیامبر (ص): «لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَنْوُطًا بِالثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ رَجَالٌ مِنْ فَارِسٍ» ۳- نامحدود بودن علم از نظر جغرافیایی در سخن پیامبر (ص): «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالضِّمِينِ» ۴- نامحدود بودن علم از نظر محدودیت مقداری در قرآن کریم: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» ۵- نامحدود بودن علم از نظر محدودیت جانی در سخن پیامبر (ص): «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَّبُوهُ وَ لَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجَ وَ خَوْضِ اللَّجْجِ» ۶- نامحدود بودن علم از نظر محدودیت‌های انسانی در قرآن کریم: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارَى سَوْأَةُ أَحْيَاهُ» ۷- نامحدود بودن علم از نظر دین و مکتب در رفتار پیامبر (ص): حضرت محمد (ص) بهای آزادی اسیران جنگی را آموزش خواندن و نوشتن به ده مسلمان قرار دادند. ارزش آموزش در قرآن کریم: «اگر سگ آموزش دیده برای شما شکاری بیاورد، آن شکار برای شما حلال است.» در داستان عزیز نبی (ع) خداوند نشان می‌دهد مرگ صد ساله هم برای فراگیری یک نکته ارزشمند است.

۱۱ تعلیم و تربیت باعث حیات معنوی مخاطب می‌شود

حیات معنوی در قرآن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»

انواع حیات: گیاهی، حیوانی، فکری و ابدی

دعوت انبیا به حیات حیوانی نیست؛ بلکه مقصودشان حیات فکری، عقلی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام حیات انسان در تمام زمینه‌هاست.

حیات انسان ثمره ایمان و عمل صالح است: «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ» که انبیا مردم را به آن دعوت کرده‌اند: «إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»

اطاعت از فرامین خدا و انبیا، رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب (حیات انسان) است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» معلم با پیروی از خدا و انبیا و با نفس مسیحایی خود به دانش‌آموزان حیات می‌بخشد.

اگر معلم، رسالت خود را الهی، نبوی و علوی بداند (علت) و اتصال خود را با خدا و اولیایش مستحکم کند (علت)، دارای نفس مسیحایی می‌شود (معلول)، کار او، کار انبیا می‌شود. (معلول)

علم بدون تزکیه مانند سوزن بدون نخ فقط صدمه می‌زند.

۱۲ ارزش علم بیش از هر چیزی است

نمونه اول: خداوند در هنگام بیان آفرینش انسان، خود را: «کریم؛ بزرگوار، گرامی» معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ * الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» اما هنگامی که سخن از علم و فرهنگ است، صفت: «اکرم؛ بزرگوارتر، گرامی‌تر» معرفی می‌کند: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ»

نمونه دوم: در سوره الرحمن نیز خداوند ابتدا به تعلیم قرآن اشاره می‌کند، سپس به آفرینش انسان: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ»

دو نمونه قرآنی فوق، بیانگر ارزش علم و معلم و تعلیم است، علم و فرهنگ بالاترین ارزش را دارد، زیرا خداوند ابتدا راه هدایت: «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» را قرار داده سپس انسان را آفریده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ»

درسنامه

← ارزش و امتیاز کار معلمی

◀ در گام اول، نوع نگاه ما به شغل معلمی در تعلیم و تربیت شاگردان و انجام این مسئولیت اثرگذار است. معلمی سرآمد شغل‌هاست. معلم نیازمند حقوق و تأمین نیازهای زندگی‌اش است، اما از دریچه مادیات به شغلش نمی‌نگرد.

◀ کار معلم تعلیم و تربیت است. کار خدای متعال و پیامبران نیز تعلیم و تربیت است و اساساً عالم برای «تربیت انسان» خلق شده است. زمین مرکز آموزش و پرورش خداست. معلمان زمین، پیامبران‌اند و مسئولیت تربیت انسان را بر دوش دارند.

۱ معلمی شغل نیست؛ عبادت است

◀ بعضی از کارها چنان قداستی دارند که توصیف «شغل» برای آن‌ها سبک می‌نماید مانند: مادری، که یک وظیفه الهی و جلوه‌ای از عبادت است، نه یک شغل!

◀ معلمی هم یک کار مقدس محسوب می‌شود و عبادتی چند منظوره است.

◀ معلمی، انتقال علم و تجربه، انتقاد غریق (نجات دادن انسانی که در حال غرق شدن است) و کلید عزت، بصیرت و مصونیت است.

مفهوم اصلی معلمی شغل خداوند و جبرئیل است

آیات ۱ و ۲ / سوره الرحمن

﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾

◀ ترجمه: خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود.

◀ پیام‌ها: ۱) خداوند رحمان در سوره الرحمن به بیان نعمت‌های الهی می‌پردازد. و اولین نعمتش را که نشان از اهمیت بسیار بالای آن دارد، آموزش قرآن به انسان بیان می‌کند. ۲) پس خداوند معلم انسان‌هاست و مهم‌ترین نعمت او، تعلیم قرآن است تا انسان‌ها با آن، راه سعادت را در پیش بگیرند.

مفهوم اصلی اولین معلم، خداوند و دانش آموز او، حضرت آدم (ع) بوده است

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ﴾

«ترجمه: و خداوند همه اسماء را به آدم یاد داد.»

پیام‌ها: ۱ خداوند، معلم حضرت آدم (ع) بود و واسطهٔ تعلیم، جبرئیل امین بود. آنچه که خداوند به آدم (ع) آموزش داد سراسر حقایق عالم، نام اولیای خود، اسمی همهٔ جمادات و... بود. ۲ یکی از علل برتری انسان بر فرشتگان به دلیل بهره‌مندی او از علم است.

ارتباطات: عبارت «عَلَّمَ الْأَدَمَ الْأَسْمَاءَ» و آیات ابتدایی سوره الرحمن، «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ» اشاره به شغل معلمی خداوند و جبرئیل دارند و از این رو با یکدیگر هم‌مفهوم‌اند.

مفهوم اصلی پرکاربردترین توصیف انبیا در قرآن که کار آنان را معلمی بیان می‌کند

﴿يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ﴾

«ترجمه: به آن‌ها کتاب و حکمت می‌آموزد و پاکشان می‌گرداند.»

پیام‌ها: ۱ انبیا به مردم، کتاب آسمانی و حکمت را که راه تشخیص خیر از شر است، می‌آموزند. ۲ آموزش کتاب و حکمت، مقدم بر تزکیه و لازمهٔ آن است. تا کسی تعلیم نبیند، نمی‌تواند روح و جان را از آلودگی‌ها پاک و طاهر گرداند. به همین دلیل، انبیا باید ابتدا مردم را تعلیم دهند، سپس جان آن‌ها را از شر پاک کنند.

ارتباطات: این آیه با سیزده آیه در قرآن که با «يَسْتَلُونَكَ»: (ای پیامبر) از تو می‌پرسند» آغاز می‌شوند و نشان از معلم بودن انبیا دارند، مرتبط است.

معلمی کار انبیاست

«سیزده آیه در قرآن کریم با عبارت «يَسْتَلُونَكَ»: (ای پیامبر) از تو می‌پرسند» همراه است که نشان از سؤال پرسیدن مردم از رسول خدا (ص) دارد و بیانگر نقش معلمی ایشان در جامعهٔ اسلامی است.

«معلمی، واژه‌ای مقدس با بار معنایی خاصی است. همچون واژهٔ کربلا که فراتر از یک شهر است و مفاهیم امامت، شهادت، ایثار، مقاومت، عصمت، اخلاص، عبادت، ظلم‌ستیزی و... دارد.»

«کلمهٔ معلم نیز اگر صرفاً به‌عنوان شغل ساده به آن نگاه شود، کوتاه‌بینی است. مانند اینکه به مرجع تقلید بگویند «آدم خوب» درحالی که این توصیف کفایت مقام مرجعیت را نمی‌کند.»

۲ معلمی یک انتخاب صحیح است

«هر انسان یک شغل را انتخاب می‌کند، ولی مهم آن است که:

۱ در آن شغل با چه چیزی سروکار داری؟ و ۲ تأثیر شغلش تا کجاست؟

مقایسهٔ سایر شغل‌ها و معلمی

مهندس و صنعتگر روی جمادات کار می‌کنند.	معلم روی انسان‌ها کار می‌کند.
پزشک روی جسم انسان‌ها کار می‌کند.	معلم با روح، قلب و جان انسان سروکار دارد.
تاجر مشغول توزیع کالا است.	معلم مشغول توزیع علم است.

مقایسهٔ اثرگذاری معلم در برابر دیگر شغل‌ها:

«ساخته‌های انسانی به‌صورت موقتی منشأ اثرند، اما اثری که معلم روی شاگردانش می‌گذارد گاهی تا قیامت ادامه پیدا می‌کند.»
«بعضی طلاب در زمان شاه با توطئهٔ دربار، جذب نظام شاهنشاهی شدند و از شغل معلمی شانه خالی کردند، آیت‌الله گلپایگانی خطاب به آن‌ها فرمود:

مفهوم اصلی معلمی یک انتخاب صحیح است

«اگر طلبه‌ای به‌جای تبلیغ و تحصیل دین، سراغ دربار رفت و بازوی آنان شد، نگوید رفتیم؛ بگوید: لیاقت نداشتیم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت.»

پیام‌ها: ۱ این سخن نشان‌دهندهٔ اهمیت شغل معلمی است. این شغل از مبارک‌ترین کارهاست و مقایسهٔ آن با مادیات بسیار اشتباه است. ۲ این سخن سبب شد تا سایر طلاب و مبلغان دینی در برابر توطئهٔ درباریان بیمه شوند. ۳ شغل معلمی جایگاه ویژه‌ای دارد و معلمان لیاقت ویژه‌ای داشته‌اند و حضرت حجت (عج) آن‌ها را برای این کار انتخاب کرده است.

انتخاب شغلی غیر از معلمی، خسارت است

«معلم که با تولید و توزیع و مصرف علم به انسان‌ها خدمت می‌کند و به دل‌ها و جان‌ها حیات می‌بخشد (علت)، در مسیر انبیا گام برمی‌دارد (معلول). اگر از این شغل جدا شود (علت) برنده نیست و خسارت کرده است (معلول)، این خسارت به فراخور شغلی که به‌جای معلمی انتخاب می‌شود، مراتبی دارد؛ چرا که خسارت دارای مراحل و تفاوت‌هایی است.»

بهبتر است بدانید:

انواع خسارت	تبیین قرآنی
معامله بدی است.	«بَشِمَا اشْتَرَوْا: بر معامله‌ای با خود کردند.»
معامله سودی ندارد.	«فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ: پس تجارتشان سودی نکرد.»
معامله، خسارت و زیان است.	«اشْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى: گمراهی را با هدایت معامله کردند.»
معامله، غرق در زیان است.	«لَفِي خُسْرٍ: در خسارت و زیان است.»
معامله، خسارتی بزرگ و آشکار است.	«خُسْرَانًا مُّبِينًا: زیانی آشکار.»
معامله، خسارت در تمام ابعاد است.	«بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا: زیانکارترین (مردم) در کارها.»

۳ معلمی در نگاه معصومین جایگاه رفیع دارد

اهل بیت (ع) از مقام معلمی و ارزش آن، تجلیل فراوان کرده‌اند و در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی با تعبیراتی چون معلم، مربی یا پدر یاد شده است.

حدیث / رسول خدا (ص)

مفهوم اصلی جایگاه رفیع معلمی

«بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد»

پیام‌ها: پیامبر (ص) تعلیم و تعلّم را بالاترین صدقات دانسته‌اند. صدقه دادن فقط کمک مادی نیست و گاهی آموزش دیگران هم صدقه به حساب می‌آید.

حدیث / رسول خدا (ص)

مفهوم اصلی جایگاه رفیع معلمی

«راهنمایی کننده به راه خیر، مانند انجام‌دهنده آن است.»

پیام‌ها: معلم از ثواب کارهای خیر شاگردانش بهره‌مند می‌شود. در واقع چون آن‌ها را به نیکی‌ها فرا می‌خواند، هر ثوابی که شاگردان در انجام کارهای خیر ببرند، انگار او نیز همان کار خیر را کرده است.

حدیث / امام باقر (ع)

مفهوم اصلی جایگاه رفیع معلمی

«تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم‌دهنده امور نیک استغفار می‌کنند.»

پیام‌ها: یکی از نشانه‌های جایگاه رفیع معلمی این است که همه جنبندگان برای او از خداوند طلب استغفار می‌کنند. این حدیث نشان می‌دهد که همه موجودات تحت فرمان خدا هستند و هر امری به آن‌ها شود (مانند استغفار برای معلم) آن‌ها مطیع و فرمانبردار پروردگارش هستند.

امام حسین (ع): به معلم فرزندان صد دینار هدیه دادند و در پاسخ اعتراض مردم فرمودند:

حدیث / امام حسین (ع)

مفهوم اصلی جایگاه رفیع معلمی

«أَيُّ يَنْقَعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يُغْنِي تَعْلِيمَهُ»

ترجمه: این مبلغ در برابر تعلیمات او چه ارزشی دارد؟

پیام‌ها: ارزش کار معلمی بسیار بالاتر از آن مادیات است. امام حسین (ع) با دادن هدیه فقط می‌خواستند معلم فرزندان را تشویق کنند و گرنه پاداش معنوی معلمی بسیار فراتر از پاداش مادی آن است.

توجه: چهار حدیث فوق با هم مرتبط‌اند و بیانگر مفهوم مشترک «جایگاه رفیع معلمی در نگاه معصومین» می‌باشند.

۴ تربیت کار خداست

در قرآن کریم پس از نام مبارک «الله» بیشترین توصیف خداوند با کلمه «رب» است. این موضوع نشان می‌دهد که: «ربوبیت» زمانی کامل است که براساس علم، حکمت، مصلحت و رحمت باشد، که خداوند همه را دارد.

معلمی، انتقال همه کمالات است

معلم تنها علم خود را به دانش‌آموزان منتقل نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل کند.

آن زمان که شاگرد به یأس گرایش پیدا می‌کند، روح امید را در او بدمد.

آن هنگام که شاگرد به غرور گرایش پیدا می‌کند، او را هشدار دهد.

ابزارهای الهی برای تربیت مردم:

۱ منطق و برهان ۲ احساس و عاطفه ۳ مثال و تشبیه ۴ تاریخ و داستان ۵ بیان الگوهای مثبت و منفی ۶ هنر و اخلاق ۷ وعده و تردید. هر چه معلم و استاد بهره‌شان از این ابزارهای الهی بیشتر باشد (علت)، توفیقات آن‌ها نیز بیشتر خواهد شد. (معلول)

عالم دینی، عالم ربّانی است

اتصال معلم، استاد و مربی به خداوند متعال، نقش مهمی در انجام مسئولیت‌های آن‌ها - که ارشاد و هدایت مردم است - دارد؛ لذا از «عالم دینی به «عالم ربّانی» تعبیر می‌شود.

عالم ربّانی یعنی،

عالمی که سرکارش با پروردگار است.
در راه خدا، برای خدا و با اسلوب و اخلاق خداپسندانه تعلیم می‌دهد.
از خداوند متعال صفت ربوبیت را می‌گیرد و به دیگران منتقل می‌کند.

نمونه یک عالم ربّانی، امام سجاد (ع) است که در دعای مکارم‌الاخلاق از خداوند می‌خواهد:

حدیث / امام سجاد (ع)

موضوع اصلی عالم ربّانی که خدایی شده و انسان‌هایی خدایی تربیت می‌کند

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التّقوی»

ترجمه: خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوی را به من الهام کن.

پیام‌ها: ۱ امام سجاد (ع) از خداوند درخواست می‌کند که او را از ربوبیت خود بهره‌مند سازد و سختانش هدایت‌کننده مردم باشد. ۲ درخواست دیگر امام سجاد (ع) تقوای قلب است. عالم ربّانی باید قلبش همواره از خدا بترسد و از گناهان و زشتی‌ها دوری کند. ۳ چنین عالمی خدایی می‌شود و از شأن ربوبیت الهی بهره‌مند می‌گردد و انسان‌هایی خدایی تربیت می‌کند.

۵ معلم کار پنج گروه از مهندسان را می‌کند

معلم یک تته کار پنج گروه مهندس را انجام می‌دهد. آن هم نه بر روی جمادات، بلکه بر روی «انسان» که صاحب روح است و کار با او، ظرافت و دقت خاصی را می‌طلبد. این بیانگر پیچیدگی و اهمیت کار معلمی است.

وظیفه مهندس	کار معلم
گروه اول: مهندسانی که مسئول کشف معدن هستند.	معلم نیز استعدادهای شاگردانش را کشف می‌کند.
گروه دوم: مهندسانی که مسئول استخراج مواد هستند.	معلم نیز شاگردان را از انحراف‌هایی که به آن گرفتار شده‌اند خارج می‌کند.
گروه سوم: مهندسانی که مسئول ذوب مواد هستند.	معلم نیز با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه‌مند می‌کند.
گروه چهارم: مهندسانی که مسئول قطعه‌سازی و طراحی قطعات ماشین هستند.	معلم نیز با تدریس و تعلیم و تربیت شاگرد را می‌سازد.
گروه پنجم: مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند.	معلم نیز با سعه صدر، تربیت‌شدگان را به هم متصل می‌کند و جامعه را تشکیل می‌دهد.

۶ معلم با گران‌ترین گوهر هستی سروکار دارد

موجودات به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱ جمادات ۲ نباتات ۳ حیوانات ۴ انسان‌ها

• دو تفاوت اصلی انسان با سایر موجودات:

۱ رشد همه موجودات محدود است، اما رشد انسان نامحدود است. ۲ ارزش هر چیزی محدود است، اما ارزش انسان نامحدود است.

تفاوت کار معلمی و سایر مشاغل بر مبنای چیزی که روی آن کار می‌کنند:

اگر انسان روی آهن و چوب کار کند و از آن‌ها در و پنجره بسازد یا در زمین خالی ساختمان بسازد یا از پشم و نخ پارچه تولید کند، با کار و صنعت خود ارزش این اجناس را بالا برده است، اما استاد و معلم روی نسل نو کار می‌کند. روشن است که زحمت تربیت انسانی که قابلیت رشد بی‌نهایت دارد، با زحمت و تلاش برای ارتقای وسیله‌ای که رشد محدود دارد، قابل قیاس نیست.

اگر دیگران روی جمادات کار می‌کنند و ماشین و هواپیما و ساختمان می‌سازند یا عده‌ای به سراغ پرورش حیوانات یا گل و گیاه می‌روند، کار معلم و استاد و مربی، پرورش انسان‌هاست. رشد همه چیز محدود است: جز انسان. ارزش هر چیزی محدود است: جز انسان.

نمونه انسانی که خدایی تربیت شده است:

یک نوجوان هفده ساله که در جبهه شهید شده، در وصیت‌نامه خود می‌نویسد، «جسمم را به خاک، روحم را به خدا و راهم را به شما می‌سپارم.»

تفکر این نوجوان، اثر تربیت معلم و مربی، و پرورشگاه این تفکر، مسجد است.

ارتباط: وصیت‌نامه این نوجوان نشان می‌دهد که او خدایی شده است، پس مربی و استاد او یک عالم ربّانی بوده که خداوند او را مشمول دعای امام سجاد (ع) قرار داده است: «الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التّقوی»

• انحراف و علت آن

اگر انسان درست تربیت شود (علت)، از فرشته برتر می‌شود (معلول) و اگر منحرف گردد (علت)، از هر حیوانی پست‌تر خواهد شد (معلول) و نقش معلم این است که نگذارد گوهر انسانیت نابود و مغفول شود.

آیه ۱۷۹ / سوره انفصاف

موضوع اصلی کسانی که گوهر انسانیت‌شان نابود و مغفول شود، پست‌تر از چهارپایان‌اند

﴿اولئک کالانعام بل هم اضل﴾

ترجمه: آن‌ها مانند چهارپایانند، بلکه بسی گمراه‌تر.

پیام‌ها: ۱ ملاک انسانیت، فهم و پذیرش معارف و تکالیف دینی است و گرنه انسان حتی می‌تواند از حیوانات پست‌تر شود. ۲ اگر انسان از استعدادهای درونی‌اش بهره نبرد، حتی بدتر از مخلوقاتی می‌شود که از این استعدادها بی‌بهره‌اند. ۳ در انتهای آیه، خداوند دلیل این انحراف را غفلت و بی‌بصیرتی معرفی می‌کند: «اولئک هم الغافلون»

• انواع غفلت:

- ۱ غفلت از خداوند: «نَسُوا اللَّهَ: خدا را فراموش کردند.»
- ۲ غفلت از قیامت: «نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ: روز قیامت را فراموش کردند.»
- ۳ غفلت از تکالیف الهی و وظیفه خود
- ۴ غفلت از محرومان
- ۵ غفلت از توانمندی‌های خود، اینکه نمی‌دانند چه موجودی هستند. (چه سرمایه‌های بزرگی خداوند به انسان عطا کرده است).
- ۶ غفلت از ارزش عمر خود، اینکه عمرشان را صرف کارهای لغو و بیهوده می‌کنند.

آیه ۱۲۶ / سوره هود

مفهوم اصلی غفلت از تکالیف الهی

﴿كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا﴾

• ترجمه: بدین‌گونه آیات ما به تو رسید و تو آن‌ها را فراموش کردی.

پیام‌ها: ۱ یکی از انواع غفلت، فراموشی و بی‌توجهی به انجام واجبات و ترک محرمات است. ۲ خداوند در این آیه به انسانی که از وظایف دینی‌اش غافل است، هشدار می‌دهد. ۳ سرانجام این غفلت می‌تواند قرار گرفتن در زمره کسانی باشد که خداوند درباره‌شان می‌فرماید: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»

آیه ۴۴ / سوره مدثر

مفهوم اصلی غفلت از رسیدگی به محرومان

﴿وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ﴾

• ترجمه: و مسکین را طعام نمی‌دادیم.

پیام‌ها: ۱ این آیه سخن اصحاب شمال یا همان اهل دوزخ است که یکی از ویژگی‌های خود را در دنیا، غفلت از محرومان بیان می‌کنند. ۲ منظور از اطعام مسکین در این آیه، برآورده همه نیازهای نیازمندان اعم از پوشاک، مسکن، غذا و... است. ۳ خداوند در این آیه مسکین را به حالت کلی می‌آورد، یعنی حتی اگر نیازمند، مسلمان هم نباشد، باز هم باید نیازهای او را برآورده کنیم. ۴ فرجام غفلت از رسیدگی به نیازمندان، دوزخ است. دوزخی که جایگاه انسان‌های پست‌تر از حیوانات می‌باشد: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»

• وظیفه معلم در برابر انسان‌های غافل:

۱ زدودن غفلت‌ها ۲ بیدار کردن انسان‌های خوابیده و غافل از گوهر عمر و زندگی

۷ کار روی فکر افراد ماندگار است

یکی از نشانه‌های برتری اعمال، ماندگاری آثار آن است: معلم باید بداند که ماندگارترین کار، تعلیم و تربیت است: آن هم بر روی نسل جوان که تأثیرپذیری بیشتری دارند. چنانکه حضرت ابراهیم (ع) از خدا خواست که در تاریخ ماندگار باشد:

آیه ۸۴ / سوره هجره

مفهوم اصلی درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند برای باقی ماندن نام نیک او در تاریخ

﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾

• ترجمه: و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار ده.

پیام‌ها: ۱ حضرت ابراهیم (ع) از خداوند درخواست می‌کند که نام نیک او در میان آیندگان جاودانه باشد. ۲ در نظر حضرت ابراهیم (ع)، قضاوت آیندگان اهمیت داشت و اینکه مسیحیان، یهودیان و مسلمانان، همگی بر عظمت و بزرگی ایشان معتقدند، نشان از اجابت دعای او دارد. ۳ آثار اعمال و رفتار انسان، حتی می‌تواند پس از مرگش باقی بماند و تا قیامت ادامه‌دار باشد.

• پاسخ خداوند به درخواست حضرت ابراهیم (ع):

آیه ۲۸ / سوره زمره

مفهوم اصلی خداوند نسل ابراهیم (ع) را پرچمدار توحید قرار داد

﴿وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِمْ لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ﴾

• ترجمه: آن [کلمه توحید] را در میان نسلش، کلمه ماندگار قرار داد، باشد که آنان به توحید باز گردند.

پیام‌ها: ۱ کلمه توحید و فریاد توحیدی در تاریخ می‌ماند، اگرچه مخاطبان آن زمانه به آن گوش نکند. ۲ خداوند تبارک و تعالی حافظ و نگهدار این توحیدی ابراهیم (ع) در تمام طول تاریخ است. ۳ علت پذیرش دعای ابراهیم (ع) این بود که نسل او به توحید باز گردند: «لَعَلَّهُمْ يُرْجَعُونَ»

حدیث / حضرت ابراهیم (ع)

مفهوم اصلی دعای حضرت ابراهیم (ع) برای نسل خود

«خدایا! رهبری امت و اقامه نماز را در ذریه من قرار ده.»

ارتباطات: این دعای حضرت ابراهیم برای نسلش با عبارت: «جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» آن [کلمه توحید] را در میان نسلش کلمه ماندگار قرار داد. هم‌مفهوم است و نشان می‌دهد که نسل ابراهیم (ع)، پرچمدار توحید و رهبر امت جهانی هستند.

۸ کلاس‌داری را ساده نگریم

«برخی از افراد، کلاس‌داری را یک کار عادی تلقی می‌کنند، به‌ویژه اگر مخاطبان ستین پایین‌تر باشند: درحالی که هم کلاس‌داری مهم است و هم مخاطباتی که از نسل نو هستند.»

«**دو نمونه در اهمیت کلاس‌داری:** ۱ آقای قرآنتی درباره کلاس‌داری‌شان به آیت‌الله گلپایگانی گفتند: «من امکان فقیه شدن دارم، ولی فعلاً معلم شده‌ام.» ایشان فرمودند: «این راهی که شما پیش گرفته‌ای، الان بیشتر موردنیاز است و امام زمان (عج) راضی است، ان‌شاءالله.»

۲ آیت‌الله مشکینی نیز با دیدن کلاس درس آقای قرآنتی به او فرمودند: «من حاضرم پاداش تدریس برای صدها طلبه فاضل را به تو بدهم تا در مقابل، پاداش این کلاس بیست نفری و تدریس برای بچه‌ها را به من بدهی.»

نقش تعلیم و تربیت در مسیر زندگی انسان‌ها

«در تعلیم و تربیت، آینده یک انسان رقم می‌خورد. معلم می‌تواند افراد را از پرتگاه‌های جهالت دور کند و مسیر زندگی یک فرد و نقشه راه او را تغییر دهد. مدرسه و دانشگاه، کارخانه انسان‌سازی است و کلاس‌داری، به‌ویژه اگر نسل نو مخاطب آن باشد، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.»

۹ معلم ربّانی، هادی و ناجی بشر است

«آموزش و تحصیلات، هم می‌تواند دامی برای تحصیل‌کردگان و ایجاد وابستگی آن‌ها به ابرقدرت‌ها شود، هم می‌تواند وسیله نجات بشر از شر طاغوت‌ها شود. براساس آیات قرآن کریم، یکی از شاخصه‌ها و اهداف بزرگ حضرت موسی (ع) نجات بنی‌اسرائیل از شر فرعون بود: چنانچه با صراحت به فرعون گفت:

مفهوم اصلی نجات بنی‌اسرائیل از شر فرعون، از شاخصه‌ها و اهداف بزرگ حضرت موسی (ع)

آیه ۱۷ / سوره شعراء

﴿أَنْ أُرْسِلَ مَعْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾

«ترجمه: بنی‌اسرائیل را [آزاد کن] و همراه ما بفرست.»

۱ پیام‌ها: خداوند به حضرت موسی (ع) دستور می‌دهد تا به همراه هارون به دربار فرعون بروند و از او درخواست آزاد کردن مردم بنی‌اسرائیل را کنند. ۲ آزاد کردن مردم از بند اسارت حاکمان ظالم و طاغوت‌ها، در رأس برنامه‌های انبیا قرار دارد. ۳ این مطالبه حضرت موسی (ع) از فرعون برای آزاد کردن بنی‌اسرائیل نمونه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر است.

موضوع اصلی نشانه فقیه آن است که مردم را از شر دشمنانشان آزاد سازد

حدیث / امام رضا (ع)

«وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»

«ترجمه: (فقیه کسی است که مردم را) از دشمنانشان نجات دهد.»

۱ ارتباطات: عبارت قرآنی «أَنْ أُرْسِلَ مَعْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ: بنی‌اسرائیل را [آزاد کن] (و همراه ما بفرست)» و سخن امام رضا (ع): «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ: (فقیه کسی است که مردم را) از دشمنانشان نجات دهد» هر دو بیانگر مسئولیت و نشانه اصلی فقیه که آزاد کردن مردم از دشمنانشان است، می‌باشد و هم مفهوم‌اند.

مفهوم اصلی یکی از وظایف اصلی انبیا، رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهاست

آیه ۱۵۷ / سوره بقره

﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾

«ترجمه: و از آنان بار گران (تکالیف سخت) و بندهایی را که بر آنان بوده است، برمی‌دارد [و آزادشان می‌کند].»

۱ پیام‌ها: کلمه «اصر» به معنای نگهداری و محبوس کردن است و به هر کار و تکلیف سختی که انسان را از سایر کارها باز دارد، گفته می‌شود. کلمه «اغلال» به معنی زنجیرهاست و شامل عقاید باطل، خرافات، بت‌پرستی، بدعت و سایر سنت‌های جاهلی می‌شود. ۲ عادات و رسوم غلط و خرافات و عقاید جاهلی، زنجیری بر افکار مردم هستند. ۳ انسان بدون انبیا اسیر خرافات و عقاید باطل است. ۴ یکی از ویژگی‌های انبیا، برداشتن بار سنگین عقاید باطل و جاهلی از روی دوش مردم است.

۱ ارتباطات: موارد زیر با هم مرتبط‌اند:

مفهوم	آیه یا حدیث مرتبط
رها کردن مردم از شر دشمنانشان	«أَنْ أُرْسِلَ مَعْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»
رها کردن مردم از عقاید جاهلی و خرافات	«وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»

ثمره علم

«امروزه رشته‌های تحصیلی متنوعی ایجاد شده است که در بسیاری از امور، رفاه را برای بشر به ارمغان آورده‌اند: اما آیا توانسته‌اند بشر را آزاد کنند؟ در موارد زیادی علم هست ولی ثمره‌اش نیست. مثلاً تلفن همراه - که یک وسیله ارتباطی است - نزد هر کس هست: اما آیا خود «ارتباط» هم هست؟ چه بسا وسیله ارتباطی باشد، اما خود انسان‌ها با هم قهر باشند. علم و ثمره آن نیز می‌تواند دچار این آسیب شود.»

«علم حقیقی، نگاه انسان را توحیدی می‌کند.»

آثار علم حقیقی

- ۱ «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ: ثَمَرَةُ عِلْمٍ، شِتَاخَتِ خُدَاسْت.»
- ۲ «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ: ثَمَرَةُ عِلْمٍ، بِنْدَگِیِ خُدَاسْت.»
- ۳ در قرآن آمده گروهی جذب اموال قارون شده بودند و می گفتند: «ای کاش ما هم مثل قارون ثروتمند بودیم» ولی کسانی که اهل علم بودند به آن‌ها چنین تذکر می دادند: «وَيُلْکُمُ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ وَای بر شما! پاداش الهی بهتر است.» پس **ثمره علم واقعی این است که انسان در تشخیص دنیا و آخرت اشتباه نمی کند.** نه دانشمندی که دنیا را بر آخرت برگزیند، عالم ربانی است و نه علم او، علم حقیقی؛ چنانکه گرفتن مدرک و عنوان، نشانه بلوغ عقل و کمال انسانیت نیست: زیرا تعلیمات عالم ربانی باید **حیات آفرین و نجات بخش** باشد.

مشکل بزرگ جامعه بشری

- جدا شدن «اقرأ» از «باسم ربک»: منظور این است که «اقرأ: بخوان» از «باسم ربک: به نام پروردگار است.» جدا شده و علم امروزی، توحیدی نیست.
- جدا شدن «یعلّمهم» از «یزکیهم»: منظور این است که «یعلّمهم: می آموزد به آن‌ها» از «یزکیهم: پاک می گرداند آن‌ها را» جدا افتاده و معلم، به شاگردان فقط آموزش می دهد و به جان آن‌ها حیات نمی بخشد.
- جدا شدن مادیات از معنویات، جدا شدن دنیا از آخرت و در یک کلام **جدا شدن علم از دین است.**

هنر معلمی

- هنر معلمی فقط به آموزش خواندن و نوشتن یا آموزش مسائل پیچیده و فرمول‌های سخت نیست؛ بلکه هنر معلم در **آموزش مسائل علمی با نگاه توحیدی و تربیتی** است. ثمره چنین آموزش و تعلیمی، شکوفایی علم، حلم، حیات قلب، استقامت، معرفت و انسانیت در متعلمین خواهد بود. آری! **معلم ربانی، هادی و ناجی** است و ارزش کار او به **حیات دل‌ها و نجات انسان‌هاست.**

۱۰ کار خود را مقدس بدانیم

- علم را مقدس بدانیم: زیرا خداوند هم به قلم قسم خورده است، هم به آنچه نوشته می شود:

آیه ۱ / سوره قلم

موضوع اصلی علم مقدس است

﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾

ترجمه: نون، قسم به قلم و آنچه نوشته می شود.

- پیام‌ها:** ۱ خداوند در این آیه به دو چیز سوگند خورده است ۱- قلم ۲- آنچه که نوشته می شود، یعنی علم و دانش ۳ سوگند خوردن خداوند به چیزی، نشان از ارزشمندی آن دارد، به همین دلیل است که باید علم را مقدس بدانیم.

نامحدود بودن علم در اسلام

آیه یا حدیث مرتبط	عدم وجود محدودیت در علم
پیامبر (ص): «أَطْلَبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ: از گهواره تا گور علم بیاموزید.»	اسلام برای علم محدودیت زمانی قائل نیست.
پیامبر (ص): «لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَتَوَطَّأً بِالثَّرَيَّا لَتَنَاطَلَهُ رِجَالٌ مِنَ فَارِسٍ: اگر علم در ثریا باشد، مردانی از فارس به آن می رسند.»	اسلام برای علم محدودیت مکانی قائل نیست.
پیامبر (ص): «أَطْلَبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ: دانش را بجوید اگرچه در چین باشد.»	اسلام برای علم محدودیت جغرافیایی قائل نیست.
«فَلَوْلَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ: چرا از هر گروهی از مردم، دسته‌ای کوچ نمی کنند، تا در دین فقیه شوند؟»	اسلام برای علم محدودیت مقداری قائل نیست.
امام سجاد (ع): «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي ظَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَّبُوهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ حَوْضِ اللَّجَجِ: اگر مردم ارزش علم را می دانستند، به سراغ علم می رفتند، گرچه به قیمت جان خود و فرو رفتن در امواج دریا باشد.»	اسلام برای علم محدودیت جانی قائل نیست.
«فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارَى سَوْأَةُ أُخِيهِ: پس خداوند زاغی را فرستاد که زمین را می کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را ببوشاند [و دفن کند].»	اسلام برای علم محدودیت انسانی قائل نیست.
پیامبر (ص) بهای آزادی کسانی را که در جنگ اسیر می شدند، آموزش خواندن و نوشتن به ده مسلمان قرار داد.	اسلام برای علم محدودیت مکتبی قائل نیست.

فصل اول

مفهوم اصلی اسلام برای آموزش محدودیت مقداری قائل نیست

آیه ۱۲۲ / سوره توبه

﴿فَلَوْلَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ﴾

ترجمه: چرا از هر گروهی از مردم، دسته‌ای کوچ نمی کنند تا در دین فقیه شوند؟

- پیام‌ها:** ۱ در اسلام برای آموزش و تفقه، توصیه به هجرت شده است. ۲ اسلام، تفقه در دین را واجب کفایی اعلام می کند، یعنی اگر عده‌ای از مردم به تفقه در دین بپردازند و به بقیه آن را بیاموزند کفایت می کند. ۳ به این دلیل که اگر تعدادی از مردم به تفقه در دین بپردازند، کفایت می کند، می فهمیم که اسلام محدودیت مقداری برای آموزش قائل نیست. ۴ این آیه، مسئولیت مرجعیت دینی علما در زمان غیبت را برای مردم بیان می کند.

«لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجَ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ»

ترجمه: اگر مردم ارزش علم را می دانستند، به سراغ علم می رفتند، گرچه به قیمت جان خود و فرو رفتن در امواج دریا باشد.

پیامها: ارزش علم آنقدر بالاست که امام سجاد (ع) به خطر انداختن جان را هم برای به دست آوردن علم سزاوار می دانند.

«فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُبْرِئَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوَاءَ أَخِيهِ»

ترجمه: پس خداوند زاغی را فرستاد که زمین را می کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بپوشاند. [او دفن کند]

پیامها: ۱ این آیه اشاره به داستان هابیل و قابیل دارد. قابیل پس از کشتن برادرش، نمی دانست جسد او را چه کند تا اینکه خداوند زاغی را فرستاد که زاغ دیگری را در خاک دفن کرد و اینگونه خداوند به قابیل آموزش داد که چگونه جسد برادرش را دفن کند. ۲ در این آیه، خداوند از طریق حیوانات به انسان آموزش می دهد، پس محدودیتی در یادگیری از انسان یا حیوان یا... وجود ندارد.

ارزش آموزش در اسلام:

نمونه اول: در قرآن آمده که:

«اگر سگ آموزش دیده، برای شما شکاری بیاورد، آن شکار برای شما حلال است.»

پیامها: ۱ شرایط حلال بودن آنچه که سگ شکار کرده است: ۱- سگ شکارچی باشد. ۲- سگ آموزش دیده باشد. ۳- سگ برای شکار گسیل شده باشد نه آنکه برای خودش شکار کرده باشد. ۴ ارزش آموزش دیدن تا اینجاست که خوردن صید شکار سگ آموزش دیده حلال است، اما اگر آموزش ندیده باشد، حرام می شود.

نمونه دوم: در قرآن می خوانیم: یکی از اولیای خدا - که در تفاسیر، عزیر نبی (ع) معرفی شده است - از خرابه های می گذشت. با دیدن آثار گذشتگان به خدا گفت: «این مردگان را چگونه زنده می کنی؟» خداوند او را که بر الاغی سوار بود، می میراند. پس از صد سال او را زنده کرد و از او پرسید: «چه مدت است که در اینجا آرمیده ای؟» گفت: «روزی یا نصف روز!» خداوند به او فرمود: «صد سال پیش، در اینجا مردی و اکنون تو را زنده کردم! به الاغ خود بتگر که چگونه او را دوباره زنده می کنم و به غذای خود بتگر که چگونه پس از صد سال هنوز فاسد نشده است.» این داستان نشان می دهد که برای فراگیری یک نکته، مرگ صد ساله هم ارزشمند است.

ارتباطات: داستان عزیر نبی (ع) نشان می دهد که اسلام برای آموزش، محدودیت جانی قائل نیست و از این رو، این داستان با حدیث امام سجاد (ع) «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجَ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ» هم مفهوم است.

۱۱ تعلیم و تربیت باعث حیات معنوی مخاطب می شود

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه خدا و رسول شما را به چیزی که حیات بخش شماست دعوت می کنند، بپذیرید.

پیامها: ۱ مخاطب آیه مؤمنان هستند، شرط برخورداری از ایمان واقعی، پذیرش دعوت خدا و رسول اوست. ۲ حیات حقیقی انسان (معلول) در گرو پذیرش دعوت خدا و رسول که همان دین الهی می باشد، است. (علت) ۳ رمز رسیدن به حیات پاک و طیب، اطاعت از فرامین خدا و رسول است، یعنی انجام واجبات و ترک محرمات. ۴ حیات اقسام مختلفی دارد: گیاهی، حیوانی، فکری و ابدی. مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می آید: «لما یحییکم» حیات حیوانی نیست. (چون این نوع حیات بدون دعوت انبیا نیز وجود دارد). بلکه مقصود، حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام، حیات انسان در تمام زمینه هاست.

بهبتر است بدانید:

انواع حیات	آیه مرتبط
حیات گیاهی	«أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا: خداوند زمین مرده را زنده می کند.»
حیات حیوانی	«لَمْ يَحْيِ الْمَوْتَى: خداوند مردگان را زنده می کند.»
حیات فکری	«مَنْ كَانَ مَوْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ: آنکه مرده بود و زنده اش کردیم.»
حیات ابدی	«قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي: (مجرمین در قیامت می گویند: ای کاش برای) زندگی امروزم چیزی از پیش فرستاده بودم.»

آیه ۹۷ / سوره نحل

موضوع اصلی حیات انسان در گرو ایمان و عمل صالح است

﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾

ترجمه: هر کس کار شایسته‌ای کند، چه مرد یا زن، درحالی که مؤمن باشد، به زندگی پاک و پستدیده زنده‌اش می‌داریم.

پیام‌ها: ۱ جایگاه مرد و زن در کسب کمالات یکسان است. در واقع در بینش توحیدی، برتری‌های جنسیتی مردود است: «مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ» شرط قبولی اعمال نیک، بهره‌مندی از ایمان است: «وَهُوَ مُؤْمِنٌ» ۲ ثمره ایمان و عمل صالح، بهره‌مندی از زندگی و حیات پاک و طیب است. ۳ منظور از حیاتی که در نتیجه ایمان و عمل صالح فراهم می‌آید، حیات حیوانی نیست (چون این حیات بدون ایمان و عمل صالح نیز وجود دارد) بلکه مقصود، حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام، حیات انسان در تمام زمینه‌هاست: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»

ارتباطات: حیات انسان در گرو ایمان و عمل صالح که همان پذیرش دعوت خدا و انبیاست، می‌باشد. از این رو دو آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» و «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» با هم هم‌مفهوم‌اند.

• وظیفه استاد و معلم

استاد و معلم باید با پیروی از خدا و پیامبر (ص) (علت) **نفس مسیحایی** پیدا کند (معلول) و به **مخاطبان حیات ببخشد** (معلول) و جهل او را به علم، یأس او را به امید، غفلت او را به هوشیاری، ترس او را به شجاعت، اعراض او را به اقبال، تفرقه او را به وحدت، کینه او را به محبت، دنیاگرایی او را به ابدگرایی، اطاعت او از ناهلان را به اطاعت از اولیای معصوم و عدول و اسراف او را به صرفه‌جویی، کسالت او را به نشاط، اضطراب او را به آرامش و سنگدلی او را به نرم‌دلی تبدیل کند (معلول). اگر به جای این آموزه‌ها، تنها به انتقال اطلاعات و علوم اکتفا کنیم (علت)، معلوم نیست بهره‌گیری از این علوم برای فرد و جامعه سود خواهد داشت یا ضرر؟ و فارغ‌التحصیلان ما عناصر مفیدی خواهند بود یا خطرناک؟ (معلول)

اگر استاد رسالت خود را رسالت الهی، نبوی و علوی بداند (علت) و اتصال خود را با خدا و اولیای خدا مستحکم کند (علت) واجد **نفس مسیحایی** می‌شود (معلول)، در این صورت کار معلم، کار انبیا خواهد بود (معلول) و گرنه انتقال علوم بدون تزکیه، مثل جدا شدن سوزن از نخ است که به‌جای دوختن، سوراخ می‌کند و صدمه می‌زند.

۱۲ ارزش علم بیش از هر چیزی است

دو نمونه قرآنی نشان می‌دهد که ارزش علم بیش از هر چیزی است و علم و فرهنگ بالاترین ارزش را دارد:

نمونه اول: خداوند آنجا که سخن از آفرینش انسان است خود را «کریم: بزرگوار» معرفی می‌کند ولی آنجا که سخن از علم و فرهنگ است، صفت «اکرم: بزرگوارتر» را به کار می‌برد.

مفهوم اصلی کرم خداوند شامل همه انسان‌ها می‌شود

آیات ۶ و ۷ / سوره انفطار

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ * الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ﴾

ترجمه: ای انسان! چه چیزی تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور کرد و فریب داد؟ همان که تو را آفرید و (اندام تو را) استوار ساخت و متعادل کرد.

پیام‌ها: ۱ خداوند کرامت و بزرگواری خود را نسبت به همه انسان‌ها روا داشته است و مخصوص مؤمنان یا گروه خاصی نیست. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» ۲ غرور و کبر انسان در برابر کرامت خداوند، بی‌توجهی به نعمت‌های الهی است: «مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» ۳ سه مرحله آفرینش: ۱- «خَلَقَكَ» خلق کردن ۲- «فَسَوَّاكَ»: آراستن و استوار ساختن انسان ۳- «فَعَدَلَكَ»: برقراری تعادل و توازن میان اعضا و جوارح انسان ۴ راه درمان بیماری کبر و غرور، توجه به کرامت خداوند در آفرینش انسان است: «بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ» ۵ آفرینش انسان و استواری و تعادل میان اعضا و جوارح او، نشانه‌ای از کرامت پروردگار است. «بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ»

مفهوم اصلی کریم‌ترین بودن خداوند در آموزش و تعلیم به پیامبر (ص)

آیه ۳ / سوره عنق

﴿إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾

ترجمه: بخوان که پروردگار تو از همه گرامی‌تر است.

پیام‌ها: ۱ خداوند در این آیه، به پیامبر دستور می‌دهد که قرآن را بخواند. لذا براساس این آیه، شغل خداوند و جبرئیل معلمی است و دانش‌آموز این مکتب، حضرت محمد (ص) می‌باشد. ۲ خواندن قرآن باید جهت الهی داشته باشد زیرا وسیله رشد انسان است.

ارتباطات: این آیه، بیانگر مقام معلمی خداوند و جبرئیل است، فلذا با آیات «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ» و «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ» هم‌مفهوم است.

نمونه دوم: در سوره الرحمن، خداوند ابتدا به تعلیم قرآن اشاره می‌کند، سپس به آفرینش انسان. آری! باید قبل از ماشین، راه ساخته شود: اول راه هدایت «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» سپس آفرینش انسان «خَلَقَ الْإِنْسَانَ»

مفهوم اصلی تقدّم آموزش و تعلیم قرآن، بر خلقت انسان

آیات ۳ تا ۳ / سوره الرحمن

﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾

ترجمه: خداوند قرآن را آموخت و انسان را آفرید.

پیام‌ها: ۱ شغل خداوند، معلمی است و او قرآن را به انسان آموخت: «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» ۲ خلقت انسان جلوه‌ای از رحمت الهی است: «الرَّحْمَنُ» ۳ تعلیم قرآن بر خلقت انسان تقدّم دارد، که نشان از ارزشمندی و جایگاه والای آموزش در دین اسلام است.

ارتباطات: ارزش والای آموزش در اسلام در آیه «اگر سگ آموزش‌دیده‌ای، برای شما شکاری بی‌آورد، آن شکار برای شما حلال است.» نیز بیان شده است، فلذا این آیه با آیه «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» و نیز آیات «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ» هم‌مفهوم است.



پرسش‌های چهارگزینه‌ای



برای شروع...



۱. کدام مورد از ارزش‌های معلمی نیست؟
 - (۱) معلمی شغل نیست، عبادت است.
 - (۲) معلم با گران‌ترین گوهر هستی سروکار دارد.
 - (۳) معلمی شغل نیست، عبادت است.
 - (۴) معلم از دریچهٔ مادیات به شغلش نمی‌نگرد.
۲. آیاتی که نشان‌دهندهٔ سؤال کردن مردم از پیامبر است در بردارندهٔ کدام عبارت‌اند و چرا معلمی یک کار مقدس است؟
 - (۱) «یَسْئَلُونَكَ» - زیرا عبادتی چند منظوره است.
 - (۲) «یَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ» - زیرا عبادتی چند منظوره است.
 - (۳) «یَسْئَلُونَكَ» - چون با ارزشمندترین گوهر هستی سروکار دارد.
 - (۴) «یَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ» - چون با ارزشمندترین گوهر هستی سروکار دارد.
۳. پرکاربردترین توصیف قرآن دربارهٔ انبیا چیست؟
 - (۱) کار پیامبران، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بوده است.
 - (۲) همگی دانش‌آموز مکتب توحیدی خدا و جبرئیل بوده‌اند.
 - (۳) عالم ربّانی که ربوبیت الهی را به دیگران منتقل می‌کند.
 - (۴) آن‌ها الگوهای برتر اخلاقی و عملی برای انسان‌ها بوده‌اند.
۴. گام اول که در تعلیم و تربیت و انجام این مسئولیت اثرگذار است، چیست؟
 - (۱) پیروی از خدا و انبیا در تعلیم
 - (۲) شناخت جایگاه معلمی نزد معصومین (ع)
 - (۳) نوع نگاه ما به شغل معلمی
 - (۴) آشنایی با ابزارهای هدایت الهی و بهره‌مندی از آن‌ها
۵. چرا تقلیل مفهوم معلم به یک شغل ساده کوتاه‌بینی است؟
 - (۱) معلمی نیازمند پنج تخصص مهندسی است.
 - (۲) معلم واژه‌ای مقدس است و بار معنایی خاصی دارد.
 - (۳) معلمی از دریچهٔ مادیات نباید نگاه کرد.
 - (۴) معلمی وظیفه‌ای الهی است که روی دوش انبیا قرار گرفته است.
۶. چرا آیت‌الله گلپایگانی سخن: «بگویند: لیاقت نداشتیم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت» را فرمودند؟
 - (۱) عدم‌ای از مبلغان در دام درباریان افتاده بودند.
 - (۲) عدم‌ای از مبلغین از معلمی کسب درآمد می‌کردند.
 - (۳) برخی از مبلغین در کنار معلمی به مشاغل دیگر روی آورده بودند.
 - (۴) برخی از مبلغین در خارج از حوزه گناه می‌کردند.
۷. پیامبر (ص) بالاترین صدقات را چه دانسته‌اند و در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی چه تعبیری شده است؟
 - (۱) انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد. - پدر
 - (۲) انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد. - مادر
 - (۳) انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد. - پدر
 - (۴) انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد. - مادر
۸. شأن ربوبیت الهی چه زمانی کامل می‌شود؟
 - (۱) خداوند را خالق هستی بدانیم.
 - (۲) براساس علم، حکمت، مصلحت و رحمت باشد.
 - (۳) ارادهٔ خدا را بالاتر از همهٔ اراده‌ها بدانیم.
 - (۴) شغل خدا را معلمی و زمین را مرکز آموزش و پرورش خدا بدانیم.
۹. چه زمانی معلم می‌تواند روح امید را در شاگردی که به یأس گرایش پیدا کرده است، بدهد؟
 - (۱) نگاهش به معلمی از دریچهٔ مادیات نباشد.
 - (۲) گوهر انسانیت او نابود و مغفول نشده باشد.
 - (۳) همهٔ کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود منتقل کند.
 - (۴) کار پنج گروه از مهندسان را انجام دهد.
۱۰. کدام‌یک از تعبیرهای زیر دربارهٔ «عالم ربّانی» است؟
 - (۱) عالمی که سروکارش با پروردگار است و در راه خدا و با اسلوب و اخلاق خداپسندانه تعلیم می‌دهد.
 - (۲) فقیهی که از همهٔ ابزارهای الهی و قرآنی برای هدایت و آموزش مردم بهره می‌برد.
 - (۳) عالمی که صفت خالقیت را از خدا می‌گیرد و مردم را با اسلوب و اخلاق الهی تربیت می‌کند.
 - (۴) فقیهی که نه تنها علم خود، بلکه همهٔ کمالات را با گفتار و رفتار خود به دیگران منتقل می‌کند.
۱۱. معلمی که با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه‌مند کند، در این رفتار کار کدام گروه از مهندسان را انجام می‌دهد؟
 - (۱) مهندسانی که مسئول کشف معدن هستند.
 - (۲) مهندسانی که مسئول ذوب مواد هستند.
 - (۳) مهندسانی که مسئول استخراج مواد هستند.
 - (۴) مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند.
۱۲. در برابر گروهی از مهندسان که مسئول قطعه‌سازی و طراحی قطعات ماشین هستند، معلمان چه می‌کنند؟
 - (۱) معلم با تدریس و تعلیم و تربیت شاگرد را می‌سازد.
 - (۲) معلم ربّانی استعدادهای گوناگون شاگردانش را کشف می‌کند.
 - (۳) معلم با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه‌مند می‌کند.
 - (۴) معلم با سعهٔ صدر، تربیت‌شدگان را به هم متصل می‌کند و جامعه را می‌سازد.



۲۴. رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب چیست و در چه زمانی است که معلوم نیست آموزش برای فرد و جامعه سود دارد یا ضرر؟
- ۱) اطاعت از فرامین خدا و انبیا - معلم از ابزارهای الهی برای تربیت مردم استفاده نکند.
 - ۲) شناخت ارزش علم، معلم و تعلیم - معلم از ابزارهای الهی برای تربیت مردم استفاده نکند.
 - ۳) اطاعت از فرامین خدا و انبیا - معلم صرفاً به انتقال اطلاعات و علوم بپردازد.
 - ۴) شناخت ارزش علم، معلم و تعلیم - معلم صرفاً به انتقال اطلاعات و علوم بپردازد.
۲۵. در چه صورتی معلم واجد نفس مسیحایی می‌شود و کار او کار انبیا خواهد بود؟
- ۱) ربوبیت الهی را از خدا بگیرد و به دیگران منتقل کند.
 - ۲) رسالت خود را الهی، نبوی و علوی بداند و اتصال خود را با خدا و اولیای خدا مستحکم کند.
 - ۳) انتقال علوم را نه از طریق گفتار، بلکه از طریق عمل و رفتار خود انجام دهد.
 - ۴) کار آموزش و تربیت شاگردان را فقط و فقط برای رضای خدا و خالصانه انجام دهد.
۲۶. خداوند زمانی که از آفرینش انسان و علم و فرهنگ در سوره انفطار سخن می‌گوید، خود را با چه صفتی معرفی می‌کند؟
- ۱) اکرم - کریم ۲) علیم - أعلم ۳) کریم - اکرم ۴) أعلم - علیم
۲۷. در قرآن کریم، چه زمانی خداوند خود را «بزرگوارتر» معرفی می‌کند؟
- ۱) سخن از علم و فرهنگ باشد.
 - ۲) راه هدایت را برای مردم ترسیم کند.
 - ۳) بخواهد وظیفه انبیا را به آن‌ها بگوید.
 - ۴) از آفرینش انسان سخن گفته شود.
۲۸. این تعبیر که در سوره «الرحمن» ابتدا خدا به تعلیم قرآن اشاره می‌کند، سپس آفرینش انسان، بیانگر چیست؟
- ۱) ارزش علم، معلم و تعلیم در اسلام را می‌رساند.
 - ۲) معلم باید پیرو خدا و قرآن باشد و خالصانه تعلیم دهد.
 - ۳) معلمی شغل خدا و انبیا و یک کار مقدس است.
 - ۴) استاد باید رسالت خود را الهی، نبوی و علوی بداند.

برای انفجار...



۲۹. کدام یک از آیات عبارت شریفه قرآن کریم بر این موضوع که «معلمی شغل خداوند تبارک و تعالی و جبرئیل امین است» تأکید می‌کند؟
- ۱) «الرحمن * علم القرآن * خلق الانسان»
 - ۲) «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»
 - ۳) «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»
 - ۴) «فَلَوْلَا نَفْرُ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»
۳۰. در گام نخست چه چیزی در تعلیم و تربیت اثرگذار است و چه تعبیری برای «زمین» نشان‌دهنده عظمت و ارزشمندی وظیفه معلمی است؟
- ۱) میزان درک معلمان از اثرگذاری افکارشان بر متعلمین - مرکز آموزش و پرورش خدا
 - ۲) نوع نگاه معلمان به مسئولیت خطیرشان در جامعه - مرکز آموزش و پرورش خدا
 - ۳) نوع نگاه معلمان به مسئولیت خطیرشان در جامعه - یکی از مخلوقات خدا برای هدایت انسان
 - ۴) میزان درک معلمان از اثرگذاری افکارشان بر متعلمین - یکی از مخلوقات خدا برای هدایت انسان
۳۱. از این حقیقت که «سیزده آیه در قرآن کریم شامل عبارت «يَسْتَلُونَكَ» می‌شوند» کدام نتیجه را می‌توان گرفت؟
- ۱) زمین مرکز آموزش و پرورش خداست و عالم با همه پیچیدگی‌هایش برای تربیت انسان خلق شده است.
 - ۲) معلمی فراتر از همه کارها و شغل‌هاست و اصولاً توصیف «شغل» برای آن، کسر شأن جایگاه معلمان است.
 - ۳) خداوند متعال مسئولیت‌های متعددی را روی شانه نبی مکرم اسلام نهاد، اما اصلی‌ترین آن‌ها تعلیم مردم بوده است.
 - ۴) خدای متعال حیات انسان را در سؤال کردن و آموزش دیدن قرار داده است تا به حیات طیبه الهی برسد.
۳۲. با تأمل در مفهوم کدام عبارت قرآنی می‌فهمیم که «تقلیل مفهوم معلمی به یک شغل ساده، کوتاه‌بینی است» و کدام مورد تمثیلی مناسب از آن است؟
- ۱) «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» - به یک مرجع تقلید بگوییم که «تو آدم خوبی هستی»
 - ۲) «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» - واژه کربلا را حاوی معانی شهادت و شهادت و... بدانیم.
 - ۳) «كَذَلِكَ أَنْتَكَ آيَاتُنَا فَنَسِيهِمْ» - به یک مرجع تقلید بگوییم که «تو آدم خوبی هستی»
 - ۴) «كَذَلِكَ أَنْتَكَ آيَاتُنَا فَنَسِيهِمْ» - واژه کربلا را حاوی معانی شهادت و شهادت و... بدانیم.
۳۳. هر کدام از موارد زیر اشاره به کدام امتیاز و ارزش معلمی دارد؟
- الف) معلمی، انتقال علم و تجربه، اتقاد غریق و کلید عزت، بصیرت و مصونیت است.
- ب) سخن آیت‌الله گلپایگانی خطاب به طلبه‌هایی که به سمت دربار رفتند.
- ج) درخواست حضرت ابراهیم (ع) از خداوند: «و اجعل لي لسان صدق في الآخِرین»
- ۱) معلمی شغل نیست، عبادت است. - معلمی یک انتخاب صحیح است. - کار روی فکر افراد ماندگار است.
 - ۲) معلمی شغل نیست، عبادت است. - معلمی یک انتخاب صحیح است. - معلمی در نگاه معصومین جایگاه رفیعی دارد.
 - ۳) معلمی یک انتخاب صحیح است. - معلمی شغل نیست، عبادت است. - کار روی فکر افراد ماندگار است.
 - ۴) معلمی یک انتخاب صحیح است. - معلمی شغل نیست، عبادت است. - معلمی در نگاه معصومین جایگاه رفیعی دارد.

۳۴. در انتخاب شغل باید به چه موردی توجه کنیم و تفاوت پزشک و معلم در چیست؟

- ۱) با چه چیزی سروکار داریم و تأثیر کارمان تا کجاست؟ - مدت زمانی که روی شغلشان تمرکز می‌کنند.
- ۲) با چه چیزی سروکار داریم و تأثیر کارمان تا کجاست؟ - چیزی که روی آن کار می‌کنند.
- ۳) نگاه ما و دیگران و خصوصاً دین به شغل ما چیست؟ - چیزی که روی آن کار می‌کنند.
- ۴) نگاه ما و دیگران و خصوصاً دین به شغل ما چیست؟ - مدت زمانی که روی شغلشان تمرکز می‌کنند.

۳۵. کدام عبارت قرآنی نشان‌دهنده سؤال مردم از نبی مکرم اسلام (ص) بوده است و ایشان درباره جایگاه رفیع معلمی چه می‌فرمایند؟

- ۱) «يَسْئَلُونَكَ» - بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.
- ۲) «يُعَلِّمُهُمْ» - بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.
- ۳) «يَسْئَلُونَكَ» - تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم‌دهنده امور نیک استغفار می‌کنند.
- ۴) «يُعَلِّمُهُمْ» - تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم‌دهنده امور نیک استغفار می‌کنند.

۳۶. آیت‌الله گلپایگانی خطاب به طلابی که به سمت دربار رفتند چه عبارتی را به کار بردند و سخن ایشان چه تأثیری بر مبلغان دینی گذاشت؟

- ۱) «نگوید: رفته‌ام؛ بگوید: لیاقت نداشتم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت.» - بیمه شدن مبلغین در برابر توطئه دربار
- ۲) «نگوید: رفته‌ام؛ بگوید: لیاقت نداشتم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت.» - ایجاد انگیزه برای ترویج دین در مبلغین
- ۳) «این راهی که شما در پیش گرفته‌ای الان بیشتر مورد نیاز است و امام زمان (عج) راضی است.» - بیمه شدن مبلغین در برابر توطئه دربار
- ۴) «این راهی که شما در پیش گرفته‌ای الان بیشتر مورد نیاز است و امام زمان (عج) راضی است.» - ایجاد انگیزه برای ترویج دین در مبلغین

۳۷. چرا کسی که به جای معلمی به سراغ شغلی دیگر می‌رود و به تولید، توزیع و مصرف اجناس دیگری مشغول می‌شود، خسارت کرده است؟

- ۱) معلم، واژه است که بار معنایی خاصی دارد و نمی‌توان صرفاً به آن به‌عنوان یک «شغل» نگریست.
- ۲) معلمان به انسان‌ها خدمت می‌کنند و به دل‌ها و جان‌ها حیات می‌بخشند و در مسیر انبیاء الهی گام برمی‌دارند.
- ۳) اثرگذاری کار معلم با سایر شغل‌ها تفاوت بسیاری دارد و گاه تا روز قیامت اثر تربیت و تعلیم‌شان باقی است.
- ۴) اساساً عالم با همه پیچیدگی‌ها، تنوعات، زیبایی‌ها، نعمت‌ها و ابتلائاتش برای تربیت «انسان» خلق شده است.

۳۸. سخن امام حسین (ع): «أَيْنَ يَفْعُ هَذَا مِنْ عَطَايَةٍ يَعْنِي تَعْلِيمَهُ» بیانگر کدام مفهوم است و با کدام سخن از جد بزرگوارشان قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) معلمی و تعلیم در قرآن جایگاه رفیعی دارد. - «ثمره علم، بندگی خداست.»
- ۲) معلمی و تعلیم در قرآن جایگاه رفیعی دارد. - «راهنمایی‌کننده به راه خیر، مانند انجام‌دهنده آن است.»
- ۳) تربیت کار خدا و انبیاء اوست. - «راهنمایی‌کننده به راه خیر، مانند انجام‌دهنده آن است.»
- ۴) تربیت کار خدا و انبیاء اوست. - «ثمره علم، بندگی خداست.»

۳۹. کدام تعبیر نیک‌رارسول اکرم (ص) برای «انسانی که چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد» به کار برده‌اند و ایشان ثواب راهنمایی‌کننده به راه خیر را چه دانسته‌اند؟

- ۱) بالاترین صدقات - هم‌نشینی با انبیا و اولیای الهی
- ۲) حیات‌بخش جان انسان‌ها - هم‌نشینی با انبیا و اولیای الهی
- ۳) بالاترین صدقات - مانند انجام‌دهنده آن
- ۴) حیات‌بخش جان انسان‌ها - مانند انجام‌دهنده آن

۴۰. تعبیر قرآنی «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» اختصاص به چه کسانی دارد و این تعبیر بازتاب چیست؟

- ۱) گوهر انسانیتشان نابود و مغفول شده است. - «أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»
- ۲) آنان که شغل دیگری جز معلمی را برگزینند. - «أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»
- ۳) گوهر انسانیتشان نابود و مغفول شده است. - «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»
- ۴) آنان که شغل دیگری جز معلمی را برگزینند. - «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»

۴۱. از این حقیقت که در قرآن کریم پس از نام مبارک «الله» بیشترین نامی که به کار رفته است «رَبِّ» می‌باشد کدام مفهوم استنباط می‌گردد؟

- ۱) ربوبیت الهی تنها زمانی که با علم، حکمت، مصلحت و رحمت همراه باشد، کامل می‌شود.
- ۲) از شئون ربوبیت الهی این است که تنها او حق تصرف و تغییر در مخلوقاتش را دارد.
- ۳) «الله» که جهان را خلق کرده است آن را اداره می‌کند و به‌سوی مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می‌کند.
- ۴) ربوبیت الهی ایجاب می‌کند که پرورش همه مخلوقات و پاسخ به نیازهای آن‌ها توسط «الله» صورت پذیرد.

۴۲. معلم چگونه می‌تواند در مسیر تربیت و تعلم مخاطبان‌ش از توفیقات بیشتری بهره‌مند شود؟

- ۱) ارزش و مقام معلمی را که از آن تعبیر به رهبر آسمانی می‌شود، درک کرده باشد.
- ۲) نگاهش به شغل معلمی برگرفته از تعلیمات توحیدی و مسیر انبیای الهی باشد.
- ۳) درک بیشتری داشته باشد که با چه چیزی سروکار دارد و تأثیر کارش تا کجا می‌تواند باشد.
- ۴) هر چه از ابزارهای الهی مانند منطق و برهان، احساس و عاطفه و... بیشتر بهره‌مند باشد و آن‌ها را به‌درستی به کار گیرد.



۴۳. امام محمد بن علی (ع) با چه توصیفی معلمان و مبلغان را می‌ستایند؟

- (۱) شریک در ثواب انجام‌دهنده حسنات
- (۲) بهره‌مند از استغفار تمام جتبت‌گان در زمین و آسمان
- (۳) همتشینی و همراهی با معلمان آسمانی در بهشت
- (۴) درک بالاترین جایگاه صدقه‌دهندگان در دنیا

۴۴. کدام موارد به ترتیب در خواست امام سجاد (ع) در دعای مکارم‌الاخلاق از خداوند است؟

- (۱) بهره‌مندی حضرت (ع) از زبان هدایت‌کننده و الهام تقوا به جانسان
- (۲) بهره‌مند شدن شاگردانشان از هدایت الهی، تقوای قلب و ربوبیت الهی
- (۳) اعطای ایمان و تقوا به قلب و جان حضرت (ع) و خلوص در فرائض دینی
- (۴) اعطای زبان هدایت‌کننده به حضرت (ع) و بهره‌مندی شاگردانشان از معارف الهی

۴۵. مقام انسانی که از خداوند در خواست می‌کند: «إِلَهِي أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْإِهْمَنِ التَّقْوَى» چیست و چه اثری در جامعه دارد؟

- (۱) خود را در مسیر انبیبای الهی و در راه تعلیم مردم می‌بیند و انسان‌هایی مفید تربیت می‌کند.
- (۲) یک رهبر آسمانی، مربی یا پدری است که ارزش جایگاه او فقط نزد معصومین (ع) آشکار است.
- (۳) مورد تشویق اهل بیت قرار می‌گیرد؛ گرچه در نظر او مادیات بی‌ارزش‌اند، ولی سروکارش با پروردگار عالمیان است.
- (۴) خدایی می‌شود و با استفاده از همه امکانات و ابزارهای الهی، انسان‌هایی خدایی تربیت می‌کند.

۴۶. تشبیه کار معلمان به مهندسانی که «مسئول ذوب مواد هستند» و «مسئول استخراج مواد هستند» به ترتیب چیست؟

- (۱) علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس - کشف استعدادهای دانش‌آموزان
- (۲) علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس - خارج کردن شاگردان از انحرافات
- (۳) کشف استعدادهای دانش‌آموزان - علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس
- (۴) کشف استعدادهای دانش‌آموزان - خارج کردن شاگردان از انحرافات

۴۷. تعبیری که از عالم دینی به «عالم ریائی» می‌شود، در برگیرنده همه مفاهیم زیر است؛ به جز _____.

- (۱) اتصال معلم، استاد و مربی به خداوند متعال که نقش مهمی در ارشاد و هدایت مردم دارد.
- (۲) عالمی که سروکارش با خداست و در راه خدا و برای خدا و با اسلوب خداپسندانه تعلیم می‌دهد.
- (۳) معلم تنها علم خود را منتقل نمی‌کند، بلکه همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران می‌دهد.
- (۴) عالمی که صفت ربوبیت الهی را از خداوند متعال می‌گیرد و آن را به دیگران منتقل می‌کند.

۴۸. تفاوت کار باغبان در پرورش گل و گیاه با معلم در پرورش انسان در چیست و ریشه‌یابی انحرافات در قرآن چیست؟

- (۱) محدودیت در رشد و ارزش گیاهان و نامحدود بودن انسان - «اولئک کالانعام»
- (۲) محدودیت در رشد و ارزش گیاهان و نامحدود بودن انسان - «اولئک هم الغافلون»
- (۳) نباتات فقط زندگی مادی دارند، اما انسان‌ها زندگی مادی و معنوی دارند. - «اولئک هم الغافلون»
- (۴) نباتات فقط زندگی مادی دارند، اما انسان‌ها زندگی مادی و معنوی دارند. - «اولئک کالانعام»

۴۹. کدام عبارات شریفه به ترتیب غفلت از قیامت و غفلت از وظیفه خود را تبیین می‌کنند؟

- (۱) «نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» - «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ» (۲) «نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» - «كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا»
- (۳) «كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا» - «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ» (۴) «كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا» - «نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ»

۵۰. مفهوم «غفلت از محرومان» که می‌تواند انسان را به جایگاه پستی بکشاند و بازتاب آن در آینه وحی الهی چیست؟

- (۱) «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ» - «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (۲) «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ» - «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»
- (۳) «كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا» - «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (۴) «كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا» - «وَأَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»

۵۱. تشبیه کار معلمی با مهندسی در پنج گروه مختلف میسر است، آن پنج گروه در کدام گزینه آمده‌اند؟

- (۱) کشف معدن، استخراج مواد، حمل‌ونقل، قطعه‌سازی و طراحی قطعات، مونتاژ قطعات
- (۲) کشف معدن، استخراج مواد، ذوب مواد، قطعه‌سازی و طراحی قطعات ماشین، مونتاژ قطعات
- (۳) استخراج مواد، ذوب مواد، قطعه‌سازی و طراحی قطعات، مونتاژ قطعات و بازاریابی و فروش
- (۴) استخراج مواد، حمل‌ونقل، قطعه‌سازی و طراحی قطعات، مونتاژ قطعات و بازاریابی و فروش

۵۲. پاسخ خداوند به درخواست حضرت ابراهیم (ع) مبنی بر ماندگاری نام نیک او در میان آیندگان چه بود؟

- (۱) «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (۲) «وَاجْعَلْهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»
- (۳) «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (۴) «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ وَكَيْفَ يُؤَارِي سِوَاةَ أَخِيهِ»

۵۳. هر یک از موارد «کار معلم زدودن غبار غفلت است» و عبارت قرآنی «سپه‌دین» بیانگر کدام یک از ارزش‌های معلمی است؟

- ۱) معلم با گران‌ترین گوهر هستی سروکار دارد. - کار روی فکر افراد ماندگار است.
- ۲) معلم با گران‌ترین گوهر هستی سروکار دارد. - معلمی شغل نیست، عبادت است.
- ۳) معلمی یک انتخاب صحیح است. - کار روی فکر افراد ماندگار است.
- ۴) معلمی یک انتخاب صحیح است. - معلمی شغل نیست، عبادت است.

۵۴. لازمه تربیت انسان‌هایی خدایی با استفاده از ابزارها و امکانات الهی، رسیدن به مقامی است که در کدام عبارت توحیدی به آن اشاره شده است؟

- ۱) «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»
- ۲) «الْهِيَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْإِهْمَنِي التَّقْوَى»
- ۳) «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»
- ۴) «وَاجْعَلْهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

۵۵. ماندگاری فریاد توحیدی ابراهیم نبی (ع) در تاریخ، در کدام عبارت تبیین می‌شود و درخواست او از خداوند برای نسلش چه بود؟

- ۱) «وَاجْعَلْهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» - قرار دادن رهبری امت و اقامه نماز در ذریه‌اش
- ۲) «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» - قرار دادن رهبری امت و اقامه نماز در ذریه‌اش
- ۳) «جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» - بازگشتن نسلش به توحید و اقامه عدل
- ۴) «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» - بازگشتن نسلش به توحید و اقامه عدل

۵۶. پاسخ آیت‌الله گلپایگانی به این سخن آقای قرائتی: «من امکان فقیه شدن دارم، ولی فعلاً معلم شده‌ام». بیانگر چه مفهومی است؟

- ۱) اهمیت شغل معلمی به این است که با چه کسی سروکار داری و چه اثری می‌گذاری
- ۲) اهمیت نقش معلم در زدودن غبار غفلت و بیدار کردن انسان‌های خفته
- ۳) ماندگاری فریاد توحیدی در تاریخ حتی اگر مردم زمان به آن گوش نکنند.
- ۴) اهمیت کلاس‌داری مخصوصاً زمانی که مخاطبان از نسل جدید هستند.

۵۷. مخاطب حضرت موسی (ع) در بیان سخن: «أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ» چه کسی بود و این سخن بیانگر کدام ویژگی فقیه است؟

- ۱) فرعون - «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»
- ۲) فرعون - «وَ أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»
- ۳) خداوند - «وَ أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»
- ۴) خداوند - «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

۵۸. دعای حضرت ابراهیم (ع) در پیشگاه خداوند، پیرامون ماندگاری آثار، چه بود و خداوند دلیل پذیرش درخواست ابراهیم نبی (ع) را چه بیان فرمودند؟

- ۱) «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» - «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»
- ۲) «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» - «سپه‌دین»
- ۳) «إِسْتَجِبُوا لِلَّهِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» - «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»
- ۴) «إِسْتَجِبُوا لِلَّهِ إِذَا دَعَاكُمْ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» - «سپه‌دین»

۵۹. از عبارت شریفه «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» کدام مفهوم استنباط می‌گردد؟

- ۱) تطهیر جان مقدم و لازمه آموزش کتاب و حکم الهی است.
- ۲) معلم برخلاف پزشکان با روح و جان انسان سروکار دارد.
- ۳) معلمی شغل انبیاست، فلذا تقلیل آن به یک شغل ساده، کوتاه‌بینی است.
- ۴) معلم صفت ربوبیت الهی را از خداوند می‌گیرد و به دیگران منتقل می‌کند.

۶۰. سخن سیدالشهدا (ع) خطاب به مردمی که به هدیه دادن ایشان به معلم فرزندشان اعتراض داشتند، بیانگر چه مفهومی است و رسول اکرم (ص) چه تعبیری از تعلیم و تعلم دارند؟

- ۱) معلمی جایگاه رفیعی دارد. - بالاترین صدقات
- ۲) معلمی جایگاه رفیعی دارد. - برترین جهاد
- ۳) معلمی شغل نیست، عبادت است. - بالاترین صدقات
- ۴) معلمی شغل نیست، عبادت است. - برترین جهاد

۶۱. شأن توحیدی ربوبیت هنگامی کامل است که بر اساس چه تبیین گردد و امام سجاد (ع) در کدام عبارت، درخواست بهره‌مندی از این شأن توحیدی را می‌کنند؟

- ۱) علم، حکمت، مصلحت و رحمت - «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»
- ۲) منطق، برهان، احساس و عاطفه - «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»
- ۳) علم، حکمت، مصلحت و رحمت - «الْهِيَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْإِهْمَنِي التَّقْوَى»
- ۴) منطق، برهان، احساس و عاطفه - «الْهِيَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْإِهْمَنِي التَّقْوَى»

۶۲. لازمه دمیدن روح امید به جان دانش‌آموز مایوس چیست و امام باقر (ع) ثواب چنین معلمی را چه دانسته‌اند؟

- ۱) بهره‌مندی معلم از ابزارهای ربوبیت الهی - بهره‌مندی از استغفار همه اهل آسمان‌ها و زمین
- ۲) بهره‌مندی معلم از ابزارهای ربوبیت الهی - شریک بودن در ثواب تمام کارهای خیر شاگردان
- ۳) انتقال کمالات با رفتار و گفتار و اخلاق به شاگردان - بهره‌مندی از استغفار همه اهل آسمان‌ها و زمین
- ۴) انتقال کمالات با رفتار و گفتار و اخلاق به شاگردان - شریک بودن در ثواب تمام کارهای خیر شاگردان

۱۲۶. کدام آیات بیانگر یکی از اقسام غفلت هستند؟

- (الف) «وَلَمْ نَكُ نَطْعِمِ الْمَسْكِينِ»
 (ب) «كَذَلِكِ اتَّكَتِ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا»
 (ج) «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»
 (د) «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»
- (۱) الف - ج (۲) الف - ب (۳) ب - د (۴) ج - د

۱۲۷. از بیان عبارت «سپه‌دین» در آیات قرآن کریم کدام مفهوم استنباط می‌گردد؟

- (۱) کار معلم زدودن غبار غفلت و بیدار کردن انسان خوابیده‌ای است که از گوهر عمر و زندگی‌اش غافل است.
 (۲) معلم می‌تواند افراد را از پرتگاه‌های جهالت دور کند و مسیر زندگی یک فرد و نقشه راه او را تغییر دهد.
 (۳) ایمان به تنهایی کافی نیست و هدایت الهی باید مداوم داشته باشد و فریاد توحید در تاریخ ماندگار می‌ماند.
 (۴) عالم ربانی سروکارش با پروردگار است، در راه خدا و برای خدا و با اسلوب و اخلاق خداپستدانه تعلیم می‌دهد.

۱۲۸. چه تعداد از گزاره‌های زیر صحیح است؟

- (الف) موجودات به چهار دسته تقسیم می‌شوند: جمادات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها
 (ب) معلم یک تنه کار پنج گروه از مهندسان را انجام می‌دهد، آن هم بر روی انسان که صاحب روح است.
 (ج) عالم ربانی صفت خالقیت را از خدا می‌گیرد و دانش آموزی تربیت می‌کند که خدایی است.
 (د) ربوبیت الهی زمانی کامل می‌شود که ابتدا هدایت و ابزارهای هدایت خلق شوند، سپس انسان.
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۲۹. در کدام عبارت قرآنی تعلیم‌دهنده، خدا و دانش‌آموز، نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص) است؟

- (۱) «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»
 (۲) «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»
 (۳) «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ»
 (۴) «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ»

حالا کنکور...*

۱۳۰. کدام آیه شریفه، دست یافتن به اکسیر حیات روح بشر را تبیین می‌کند؟

- (۱) «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ...»
 (۲) «وَجَعَلْ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنَيْنَ وَحَفْدَةً...»
 (۳) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ...»
 (۴) «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...»

(خارج ۹۹)

(انسائی ۸۵)

۱۳۱. از دقت در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» مفهوم می‌گردد که

- (۱) دین، زندگی‌بخش و مایه حیات انسان است.
 (۲) مخاطب دعوت خدا و رسول، فطرت الهی انسان است.
 (۳) مخاطب دعوت خدا و رسول، زندگان‌اند و نه مردگان.
 (۴) دین، مظاهر حیات را ارج می‌نهد و به آن تشویق می‌کند.

۱۳۲. با توجه به اینکه «فهم عمیق و تخصص در دین، مقدر همگان نیست» کدام آیه شریفه، به رفع مشکل ناشی از این موضوع اشاره نموده است؟ (زبان ۹۸)

- (۱) «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ...»
 (۲) «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»
 (۳) «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»
 (۴) «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

۱۳۳. با توجه به پیام کدام آیه شریفه، امامان دانشمندانی را تربیت می‌کردند تا به شهرهای دور دست که خودشان حضور نداشتند، بروند و احکام اسلامی را به آنان بیاموزند؟

(هنر ۹۵ با کلمه تغییر)

- (۱) «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»
 (۲) «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»
 (۳) «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغْتَبَرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»
 (۴) «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»

(تجربی ۹۳)

۱۳۴. اگر بگوییم «فهم عمیق و تخصصی دین، وظیفه همگان نیست»، پیام کدام مورد را ترسیم کرده‌ایم؟

- (۱) «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ»
 (۲) «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَىٰ زُورَةٍ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»
 (۳) «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»
 (۴) «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»

* سؤالاتی که از آیات متناهی کتاب مهارت معلمی و دین و زندگی در کتک‌ورهای گذشته درس دین و زندگی آورده شده، برایتان آورده‌ایم.

پایہ دھم

دین و زندگی (1)





آهنگ سفر

درس ۹ (رشته علوم انسانی)
درس ۸ (رشته ریاضی و تجربی)

خلاصه نموداری



اقدامات لازم برای گام نهادن در مسیر بندگی و اطاعت خدا و ثابت قدم ماندن در مسیر

۱ تصمیم و عزم برای حرکت

عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است.

عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است.

هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است.

آثار عزم قوی: استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی برای رسیدن به آن هدف

سفارش لقمان به فرزندش: «و اصبر علی ما أصابک إنَّ ذلکَ مِن عزمِ الأمور»

۲ عهد بستن با خدا

پیمان بستن با خداوند بر انجام واجبات الهی و اجتناب از کارهای حرام

دو پیشنهاد مهم درباره عهد با خدا:

اول: انتخاب بهترین زمان‌ها برای عهد بستن: بعد از نماز، شب‌های قدر و شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: تکرار عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب‌های قدر هر سال

هدف: استحکام بیشتر عهدها و به فراموشی سپرده نشدن

۳ مراقبت

باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای به عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد.

امام علی علیه السلام: «گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها می‌شود.»

۴ محاسبه و ارزیابی

به دست آوردن میزان موفقیت و وفاداری به عهد و شناختن عوامل موفقیت یا عدم موفقیت

سپاس خداوند در صورت موفقیت و عتاب نفس و سرزنش خود در صورت سستی و عدم موفقیت

یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم بر اساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

پیامبر صلی الله علیه و آله: «حاسبوا أنفسکم قبل أن تُحاسبوا»

امام علی علیه السلام: «زیرک‌ترین انسان، کسی است که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.»

آثار محاسبه

«من حاسب نفسه وقف علی غیوبه و احاط بذنوبه و استقال الذنوب و أصلح العیوب»

«ثمره المحاسبه صلاح النفس»

«من حاسب نفسه سعده»

پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

دلایل ضرورت وجود الگوها در مسیر حرکت به سوی هدف:

۱ وجود این الگوها به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است:

۲ می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد.

۳ از همه مهم‌تر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید.

از این رو قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان الگو معرفی می‌کند و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر

زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است.

اسوه بودن اهل بیت علیهم السلام در اموری است که همواره برای بشر خوب و بالارش بوده‌اند و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آن‌ها نیز به دست آمده است.

پیامبر یک انسان معصوم است: چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

پاسخ: اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که

در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

درسنامه

مقدمه

- «امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «خدایا! می دانم که بهترین توشه مسافر کوی تو، عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشد.»
- «اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها بر اساس اعمال آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سرانجام آخرتی آباد را برای ما رقم بزند.
- «از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است، پس درحقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست.
- هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد **(علت)**، در دنیا زندگی لذت‌بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد. **(معلول)**
- البته برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه‌ریزی کنیم تا قدم در راهی بگذاریم که سرانجامی این‌گونه زیبا داشته باشد و در راهی قرار نگیریم که خود را گرفتار آتش دوزخ کرده باشیم.
- پس لازم است بدانیم: برای آنکه در برنامه‌ریزی موفق شویم، چه اقدامات و کارهایی باید انجام دهیم؟
- «برای گام نهادن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه (مسیر تقرب)، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم:
۱. تصمیم و عزم برای حرکت
 ۲. عهد بستن با خدا
 ۳. مراقبت
 ۴. محاسبه و ارزیابی

تصمیم و عزم برای حرکت

- «عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد.
- البته عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. (رابطه مستقیم میان میزان عزم انسان و سهولت وصول به هدف)
- استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است.

کارهای بزرگ عزم‌های بزرگ می‌خواهد

- «انسان که عزم ضعیفی دارند **(علت)**، در برابر تند باد حوادث، تاب نمی‌آورند و مشکلات راه آنان را به عقب‌نشینی وادار می‌کنند. **(معلول)**
- اما آنان که عزم قوی دارند **(علت)**، سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. **(معلول)**
- به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، به وی می‌گوید:

موضوع اصلی تصمیم و عزم برای حرکت اولین اقدام در مسیر قرب الهی

آیه ۱۷ / سوره لقمان

﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

«ترجمه: بر آنچه (در این مسیر) به تو می‌رسد صبر کن که این از عزم و اراده در کارهاست.

پیام‌ها: ۱. این آیه از سفارش‌های لقمان حکیم به فرزندش است و راه و رسم بندگی را به او نشان می‌دهد. ۲. صبوری کردن در برابر مصائب و مشکلاتی که بر انسان وارد می‌شود. ۳. صبر، از آثار عزم و اراده ۴. صبر در مصیبت‌ها، معلول بهره‌مندی از عزم است.

ارتباطات: «مرتبط با سخن امام کاظم علیه السلام: «خدایا! می‌دانم که بهترین توشه مسافر کوی تو عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشد.» که آیه و حدیث بر اهمیت عزم و اراده در مسیر قرب الهی را تأکید دارند.

«عزم، اراده، تصمیم و قصد، همگی با قوه اختیار و انتخاب انسان که با آیه «**إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا**» معرفی گردید، مرتبط است. (پایه ۱۰ درس ۲)

عهد بستن با خدا

- «کسی که راه رستگاری را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست، شناخته و می‌خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را انجام دهد و خداوند را خوشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می‌سازد؛ یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.
- «چقدر زیباست که خداوند، راه رستگاری ما را با رضایت خود همراه ساخته است:

یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود **(معلول)** که ما در مسیر رستگاری و خوشبختی خود گام برداریم **(علت):**

و آن‌گاه از ما ناخشنود خواهد بود **(معلول)** که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود قدم گذاریم. **(علت)**

درباره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم

- اول: برای عهد بستن، بهترین زمان‌ها را انتخاب کنیم. بعد از نماز، شب‌های قدر و شب یا روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.
- دوم: عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینسی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب‌های قدر هر سال، تکرار کنیم **(علت)** تا استحکام بیشتری پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود. **(معلول)**

🔗 **تدبر در متن:** در ترجمه آیات زیر بیندیشید و بر اساس آن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- و هر کس که نسبت به عهده‌ی که با خدا بسته وفا کند، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. (سوره فتح، آیه ۱۰)
- کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند آن‌ها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آن‌هاست. (سوره آل عمران، آیه ۷۷)
- به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. (سوره بقره، آیه ۴۰)
- الف. آنان که در زندگی پیمان‌های خود با خدا را می‌شکنند به چه عاقبتی دچار می‌شوند؟
- ۱ بی‌بهره ماندن از پاداش‌ها و نعمت‌های آخری ۲ محرومیت از سخن گفتن خدا با آن‌ها ۳ محرومیت از نظر لطف الهی به آن‌ها ۴ محرومیت از غفران الهی و گرفتار شدن به عذاب دردناک
- ب. عمل به عهد و پیمان‌های خود با خدا، چه ثمراتی دارد؟
- ۱ بهره‌مندی از پاداش‌های بزرگ ۲ وفا کردن خداوند به پیمان خود

مراقبت

◀ باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد (علت)، رضایت خدا را در پی دارد (معلول) و شکستن پیمان (علت)، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد (معلول):
 ↳ عهده‌ی که ابتدا بسته می‌شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

موضوع اصلی بیانگر لزوم مراقبت بر عهد و پیمان خود با خدا

حدیث / امام علی (ع)

«گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها می‌شود.»

🔗 **پیام‌ها:** ۱ علیت گذشت ایام و معلولیت به هم خوردن تصمیم‌ها ۲ ضرورت پرهیز از تسویف (به فردا انداختن تصمیمات و کارها)

◀ به‌طور مثال، کسی عهد می‌بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند، باید مراقب باشد که کارهای دیگری، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می‌شود، از سر راه بردارد.

محاسبه و ارزیابی

◀ بعد از مراقبت (مقدم)، نوبت محاسبه (مؤخر) است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود.

↳ بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده‌ایم (علت)، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم

(معلول): زیرا می‌دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان‌هاست. (علت)

↳ اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده‌ایم (علت)، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش

کنیم و با تصمیم قوی‌تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. (معلول)

(پایه ۱۰ درس ۲)

🔗 **نکته ترکیبی:** ظهور و بروز نفس لوامه زمانی است که انسان سستی ورزیده است.

◀ یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به‌طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

موضوع اصلی تأکید بر محاسبه نفس پیش از پایان فرصت زندگی

حدیث / پیامبر اکرم (ص)

«حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»

«ترجمه: به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند.»

🔗 **پیام‌ها:** ۱ ضرورت محاسبه نفس و حساب کشیدن از خود ۲ حسابرسی از نفس در دنیا (حاسبوا أنفسکم) باید مقدم بر محاسبه و ارزیابی قیامت (آن تحاسبوا) صورت گیرد.

🔗 **ارتباطات:** مرتبط با حدیث امام علی (ع): «زیرک‌ترین انسان، کسی است که از خود و عمل خود ...»

• مرتبط با حدیث پیامبر ﷺ: «باهوش‌ترین مؤمنان کسانی هستند که فراوان به یاد مرگاند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.» (پایه ۱۰ درس ۳)

• عبارت «قبل آن تحاسبوا» بیانگر رسیدگی به اعمال در مرحله دوم قیامت و حادثه «برپا شدن دادگاه عدل الهی» است. (پایه ۱۰ درس ۴)

◀ بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم.
 ↳ همچنین، سالی یک‌بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم بر اساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند: زیرک‌ترین انسان کیست؟ فرمود:

حدیث / امام علی (ع)

موضوع اصلی انسان محاسبه‌گر به منزله زیرک‌ترین انسان

«زیرک‌ترین انسان کسی است که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.»
(پرسیدند: چگونه؟)

فرمود: «چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید: ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن، چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا گره از کار فروبسته مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا...؟»

پیام‌ها: ۱ بیان ویژگی انسان‌های زیرک ۲ حسابرسی از خود، ملاک زیرکی انسان است، چراکه با این کار از تبعات و عواقب منفی جلوگیری می‌کند. ۳ خبر از وقوع معاد و حسابرسی در آن ۴ بیان چند ایده مفید و کاربردی: یاد خدا، تشکر از خدا، باز کردن گره از کار مؤمنان، زدودن غم از چهره مؤمنان و ...

حواستون باشه: در این کتاب، یک بار عنوان زیرک، یک بار عنوان زیرک‌ترین و یک بار نیز عبارت باهوش‌ترین مؤمنان مطرح شده است. در درس اول پایه دهم انسان زیرک کسی دانسته شده که خداوند و بندگی او را به عنوان هدف نهایی خود انتخاب کند. در درس سوم، کسی باهوش معرفی شده است که فراوان به یاد مرگ باشد و خود را بیش از دیگران برای آن آماده کند. در این درس هم انسان زیرک‌ترین، کسی معرفی شده است که از خود حساب بکشد و وظیفه چهارم در برنامه‌ریزی یعنی محاسبه نفس را انجام دهد.

تفکر در احادیث: در جدول زیر، سه سخن از امام علی علیه السلام آمده است، در این سخنان تأمل کنید و آثاری که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج کنید.

پیام	حدیث
محاسبه نفس سبب: ۱. آگاهی بر عیب‌ها ۲. تسلط بر گناهان ۳. رها شدن از گناهان ۴. اصلاح عیب‌ها می‌شود.	۱- مَنْ حَاسِبَ نَفْسَهُ (علت) وَقَفَّ عَلَىٰ عُيُوبِهِ وَ أَحَاطَ بِدُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَ أَصْلَحَ الْعُيُوبَ (معلول)
محاسبه نفس سبب اصلاح نفس می‌شود.	۲- تَمَرُّةُ الْمُحَاسِبَةِ (علت) صَلاَحُ النَّفْسِ (معلول)
محاسبه نفس سبب خوشبختی و سعادت می‌شود.	۳- مَنْ حَاسِبَ نَفْسَهُ (علت) سَعَدَ (معلول)

درسنامه

پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهای که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد، و از همه مهم‌تر می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید.

از این رو قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید:

موضوع اصلی معرفی الگو و اسوه به انسان‌ها برای تبعیت از ایشان

آیه ۲۱ / سوره احزاب

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است.»

پیام‌ها: ۱ یکی از راه‌های تبیین مسیر دقیق، نشان دادن الگوهای است که در این مسیر گام برداشته و موفق شده‌اند. ۲ در میان کلیه الگوها و اسوه‌های هدایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین و نیکوترین هستند. ۳ سایر الگوها نیز به نوعی از پیامبر صلی الله علیه و آله و راه او الگو گرفته‌اند.

ارتباطات: آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» که بیانگر معرفی پیامبر به عنوان الگو و اسوه است و در ادامه کسانی را مشمول بهره‌مندی از این الگو می‌داند که امید به خداوند و روز رستاخیز داشته و اهل ذکر و یاد خداوند هستند. (پایه ۱۱ درس ۶)

پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به‌طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل‌اند.

اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و بالارزش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و... از ارزش‌هایی است که مورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آن‌ها نیز به‌دست آمده است. پیامبر و اهل بیت علیهم السلام اسوه‌های انسانی هستند و انسانیت، دیروز و امروز و فردا ندارد. به‌طور مثال، امام حسین علیه السلام از پدر گرامی خود نقل می‌کند که:

حدیث / امام علی (ع)

موضوع اصلی معرفی الگو در مدیریت زمان و برنامه‌ریزی روزانه

«رسول خدا ﷺ در منزل، اوقات خود را سه قسمت می‌کرد. قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و مردم را به حضور می‌پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می‌کرد.»

پیام‌ها: ۱ برنامه‌ریزی و تقسیم زمان، درس و الگویی همیشگی است که از این حدیث به دست می‌آید. / ۲ اهمیت اهل خانه که به میزان عبادت باید برای ایشان وقت گذاشت. (منزلت خانواده) / ۳ نهی از عبادت و زهد افراطی و حرام کردن دنیا بر خود

همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

پاسخ این است که ما او را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم (معلول):

چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. (علت)

اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

امیرالمؤمنین (ع) درباره چگونگی پیروی از ایشان می‌فرماید:

حدیث / حضرت علی (ع)

موضوع اصلی چگونگی پیروی و اسوه قرار دادن امیرالمؤمنین (ع)

«آگاه باش برای هر پیروی‌کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است، اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش [در راه خدا] و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.»

پیام‌ها: ۱ اسوه بودن معصومین مربوط به اموری که به‌طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. / ۲ اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و باارزش بوده‌اند. / ۳ امام علی (ع) از مردم درخواست می‌کنند که در پرهیزکاری و کوشش [در راه خدا] و عفت و درستکاری، ایشان را اسوه قرار دهند نه در خوراک و پوشاک. / ۴ اسوه قرار دادن معصومین به این معنا نیست که ما عین ایشان باشیم، بلکه باید در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

ارتباطات: یکی از ویژگی‌های رهبر جامعه اسلامی «ساده زیستی» است.

(پایه ۱۱ درس ۱۵)

پایه دهم

اندیشه و تحقیق: ۱ برای ثابت قدم ماندن در مسیر قرب به خداوند چه اقداماتی لازم است؟

پاسخ ۱- تصمیم و عزم برای حرکت ۲- عهد بستن با خدا ۳- مراقبت ۴- محاسبه و ارزیابی

۲ مقصود از اینکه رسول خدا ﷺ برای مسلمانان اسوه است، چیست؟

پاسخ ما او را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم؛ چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است، اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

مرور علت و معلول‌ها

معلول	علت
برخورداری از زندگی لذت‌بخش و مطمئن در دنیا و رستگاری و خوشبختی ابدی در آخرت	دریافت صحیح هدف زندگی و قرار دادن زندگی خود در مسیر آن هدف
استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن	عزم قوی
تاب نیاوردن در برابر حوادث ناگوار و عقب‌نشینی در برابر مشکلات	عزم و اراده ضعیف
خشنودی الهی از ما	گام نهادن در مسیر سعادت و خوشبختی خود
شرمندگی در مقابل خداوند	باقی نماندن بر پیمان خود با خدا یا عدم وفای به عهد
رضایت خدا	باقی ماندن بر پیمان خود با خدا
سپاسگزاری و شکرگزار خدا بودن	خدا بهترین پشتیبان در انجام پیمان‌ها
سرزنش و عتاب خود و طلب بخشش از خدا	سستی ورزیدن در عهد و پیمان
شکر و سپاسگزاری از او	موفقیت در عهد خود با خدا
قرار دادن اسوه کامل خود در امور	درست بودن اعمال پیامبران و مطابقت اعمالشان با دستور خداوند
از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها	گذشت ایام
قرار گرفتن در زمره زیرک‌ترین انسان‌ها	محاسبه نفس به‌طور مستمر
آگاهی بر عیب‌ها، تسلط بر گناهان، دوری از گناهان، اصلاح عیب‌ها، اصلاح نفس، خوشبختی و سعادت	امام علی (ع) : محاسبه نفس



پرسش‌های چهارگزینه‌ای



برای شروع...



۴۳۴. سرنوشت ابدی انسان‌ها بر چه اساسی تعیین می‌شود و وظیفه ما در مقابل این حقیقت چیست؟

- ۱) رفتار آنان در دنیا - قدم گذاشتن در مسیری که موفقیت آن حتمی بوده و رقم زدن سرانجام و آخرتی آباد
- ۲) میزان عبادت آن‌ها - قدم گذاشتن در مسیری که موفقیت آن حتمی بوده و رقم زدن سرانجام و آخرتی آباد
- ۳) رفتار آنان در دنیا - دریافتن هدف و مقصد زندگی و شناسایی سرمایه‌های الهی و موانع رسیدن به هدف
- ۴) میزان عبادت آن‌ها - دریافتن هدف و مقصد زندگی و شناسایی سرمایه‌های الهی و موانع رسیدن به هدف

۴۳۵. زندگی لذت‌بخش و مطمئن در دنیا مستلزم چیست و لازم است که برای این مقصود چه کنیم؟

- ۱) عزم خود را استوار نموده و در راه هدف ثابت قدم باشیم - برنامه‌ریزی کنیم.
- ۲) مسیر و هدف اصلی زندگی، رسیدن به مقام قرب خداوند باشد - برنامه‌ریزی کنیم.
- ۳) مسیر و هدف اصلی زندگی، رسیدن به مقام قرب خداوند باشد - از اعمال خود مراقبت کنیم.
- ۴) عزم خود را استوار نموده و در راه هدف ثابت قدم باشیم - از اعمال خود مراقبت کنیم.

۴۳۶. کدام‌یک از موارد زیر اقدامات لازم در مسیر بندگی را با ترتیب درستی مطرح کرده است؟

- ۱) عهد بستن با خدا - عزم و تصمیم - مراقبت - محاسبه
- ۲) عهد بستن - عزم و تصمیم - محاسبه - مراقبت
- ۳) عزم و تصمیم - عهد بستن - مراقبت - محاسبه
- ۴) عزم و تصمیم - عهد بستن - محاسبه - مراقبت

۴۳۷. نخستین گام در مسیر بندگی و اطاعت خدا کدام است و میان داشتن عزم و اراده قوی و آسان‌تر رسیدن به هدف، چه رابطه‌ای برقرار است؟

- ۱) عهد بستن با خدا - مستقیم
- ۲) عهد بستن با خدا - معکوس
- ۳) عهد بستن با خدا - مستقیم
- ۴) عهد بستن با خدا - معکوس

۴۳۸. آیه شریفه «وَأصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ...» به کدام‌یک از گام‌های کمال اشاره دارد و خداوند آن را تجلی چه چیزی معرفی کرده است؟

- ۱) گام نخستین برای حرکت در مسیر کمال - از نشانه‌های عهد راستین است.
- ۲) نخستین گام انسان در مسیر قرب خداوند - از نشانه‌های اراده انسان است.
- ۳) دومین گام برای حرکت در مسیر کمال - از نشانه‌های اراده انسان است.
- ۴) دومین گام انسان در مسیر قرب خداوند - از نشانه‌های عهد راستین است.

۴۳۹. آدمی با آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد و در یک برنامه‌ریزی دقیق، است.

- ۱) عهد بستن با خدا - عزم مقدم بر عهد بستن با خدا
- ۲) اراده و عزم - عزم مقدم بر عهد بستن با خدا
- ۳) اراده و عزم - عهد بستن مقدم بر عزم
- ۴) عهد بستن با خدا - عهد بستن مقدم بر عزم

۴۴۰. اینکه گفته می‌شود، خداوند راه رستگاری ما را قرین رضایت خود ساخته است، به چه معناست و «در نظر گرفتن خوشنودی خدا» مربوط به کدام مرحله عبودیت است؟

- ۱) زمانی انسان به سعادت می‌رسد که با بندگی خدا رضایت او را کسب کند - عهد بستن با خدا
- ۲) زمانی انسان به سعادت می‌رسد که با بندگی خدا رضایت او را کسب کند - عزم برای حرکت
- ۳) وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر سعادت و خوشبختی خود گام برداریم - عهد بستن با خدا
- ۴) وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر سعادت و خوشبختی خود گام برداریم - عزم برای حرکت

۴۴۱. از دیدگاه امام کاظم علیه السلام، بهترین توشه مسافر گوی حق تعالی چیست و قدم گذاشتن در راه سعادت، مرتبط با چیست؟

- ۱) عزم و اراده‌ای که با آن خواستار خداوند شده باشد - تصمیم و عزم برای حرکت
- ۲) گشودن گره از کار فروبسته مؤمن است - تصمیم و عزم برای حرکت
- ۳) گشودن گره از کار فروبسته مؤمن است - عهد بستن با خدا
- ۴) عزم و اراده‌ای که با آن خواستار خداوند شده باشد - عهد بستن با خدا

۴۴۲. خداوند متعال در سوره مبارکه فتح آیه ۱۰، در پاسخ به عمل کدام گروه به ایشان وعده داده است: «به زودی پادشاه عظیمی به او خواهد داد»؟

- ۱) هر کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته است وفا کند.
- ۲) آنان که برای حفظ عهدشان با خود از خویش حساب بکشند.
- ۳) گروهی که سوگندهای خویش را به بهای اندک نفروشتند.
- ۴) افرادی که در عزم و تصمیمشان ثابت قدم مانده باشند.

۴۴۳. اگر از ما سؤال شود «در بستن عهد با خدا بهتر است چه مسئله‌ای را مورد توجه قرار دهیم؟» در پاسخ چه می‌گوییم؟

- ۱) در نظر گرفتن ظرفیت و انتخاب فرصت مناسب در بستن عهد
- ۲) انتخاب فرصت مناسب در بستن عهد و تجدید عهد در زمان‌های معین
- ۳) در نظر گرفتن ظرفیت و تجدید عهد در زمان‌های معین
- ۴) انتخاب فرصت مناسب در بستن عهد و مراقبت از عهد در طول مسیر

۴۴۴. بنا به فرموده امام علی علیه السلام چه چیز موجب از هم گسیختگی تصمیم‌ها می‌شود و برای جلوگیری از این آفت، چه اقدامی لازم است؟

- ۱) تأخیر در عمل - عهد بستن به موقع با خدا
- ۲) تأخیر در عمل - مراقبت
- ۳) تأخیر در عمل - عهد بستن به موقع با خدا
- ۴) گذشت ایام - مراقبت

برای انفجار...

۴۹۳. اینکه انسان سرنوشت را به دست حوادث نسپارد «تصمیم و عزم برای حرکت است» که بر عهد بستن با خداست.
 (۱) معلول - مقدم (۲) معلول - مؤخر (۳) علت - مقدم (۴) علت - مؤخر

۴۹۴. میان داشتن عزم و اراده قوی و وصول آسان به هدف چه رابطه‌ای برقرار است و اولین گام در مسیر قرب الهی کدام است؟
 (۱) معکوس - عزم برای حرکت (۲) مستقیم - عزم برای حرکت (۳) معکوس - عهد بستن با خدا (۴) مستقیم - عهد بستن با خدا

۴۹۵. در رابطه با «تصمیم و عزم برای حرکت» چند مورد صحیح است؟

- الف) دستیابی به اهداف بزرگ‌تر معلول عزم قوی‌تر بوده و این گام پیش از عهد بستن است.
 ب) عزم به معنی اراده و تصمیم است که استواری بر هدف از علت‌های وجود آن به‌شمار می‌رود.
 ج) از آثار وجود عزم، شکیبایی بر هدف است و آدمی با عزم خویش است که با خدا عهد می‌بندد.
 د) انسان با عزم خویش آنچه را برگزیده عملی خواهد کرد چراکه عزم به معنای اراده است.

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴۹۶. بین ظلم به خود و ناخشنودی خدا چه رابطه‌ای برقرار است و خشنودی خداوند، در کدام مرحله از آهنگ سفر مورد نظر قرار می‌گیرد؟

- (۱) معلولیت - عهد بستن با خدا
 (۲) معلولیت - تصمیم و عزم برای حرکت
 (۳) علیت - عهد بستن با خدا
 (۴) علیت - تصمیم و عزم برای حرکت

۴۹۷. رضایت خدا معلول و سستی کردن در علت عتاب و سرزنش خود است.

- (۱) باقی ماندن بر پیمان - مراقبت
 (۲) عهد بستن با خدا - محاسبه
 (۳) باقی ماندن بر پیمان - محاسبه
 (۴) عهد بستن با خدا - مراقبت

(ترکیبی با درس ۴)

۴۹۸. از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام ویژگی باهوش‌ترین و زیرک‌ترین انسان‌ها چیست؟

- (۱) گره از کار فرو بسته مؤمنی گشودن، تلاش و کوشش بسیار در خدمت‌گزاری به خلق خدا
 (۲) فراوان به یاد مرگ بودن و بهتر از دیگران خود را آماده کردن، حساب کشیدن از خود و عمل خود برای بعد از مرگ
 (۳) حساب کشیدن از خود و عمل خود برای بعد از مرگ، فراوان به یاد مرگ بودن و بهتر از دیگران خود را آماده کردن
 (۴) به یاد خدا بودن و سپاسگزاری از او، گره از کار فرو بسته مؤمنی گشودن

۴۹۹. «استحکام بیشتر عهد و به فراموشی نسپردن آن» اصلی اقدامی است که عبارت است از

- (۱) معلول - مراقبت (۲) معلول - تکرار عهد (۳) علت - مراقبت (۴) علت - تکرار عهد

۵۰۰. کلام نورانی امام علی علیه‌السلام کدام گام از گام‌های کمال را با عبارت «وَقَفَّ عَلَيَّ عَيْبُوه» در ارتباط می‌داند و این ارتباط در کدام گزینه به‌درستی بیان شده است؟

- (۱) گام چهارم - این گام نقش علت را برای عبارت موجود در سؤال ایفا می‌کند.
 (۲) گام سوم - از این گام می‌توان به عنوان علت برای عبارت سؤال یاد کرد.
 (۳) گام چهارم - این گام نقش معلول را برای عبارت موجود در سؤال ایفا می‌کند.
 (۴) گام سوم - از این گام می‌توان به عنوان معلول برای عبارت سؤال یاد کرد.

۵۰۱. هر یک از عبارتهایی که در پی می‌آیند، در صدد تشریح و توضیح کدام موضوع می‌باشند؟

- «وَقَفَّ عَلَيَّ عَيْبُوه وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِوه»
 - «صَلَّاحُ النَّفْسِ»

- «خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد.»

- (۱) «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ» - «من حاسب نفس» - کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیز می‌فروشند.
 (۲) «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ» - «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» - کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیز می‌فروشند.
 (۳) «وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ» - «من حاسب نفس» - آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آن‌هاست.
 (۴) «وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ» - «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» - آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آن‌هاست.

۵۰۲. عبارات شریفه «وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ»، «از هم گسیختگی تصمیم‌ها و کارها» و «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ» به ترتیب مرتبط با کدام گزاره‌های زیر است؟

- (۱) یوسف علیه‌السلام - گذر زمان - باهوش‌ترین مؤمنان
 (۲) لقمان علیه‌السلام - پیمان‌شکنی - باهوش‌ترین مؤمنان
 (۳) یوسف علیه‌السلام - پیمان‌شکنی - زیرک‌ترین انسان
 (۴) لقمان علیه‌السلام - گذر زمان - زیرک‌ترین انسان

۵۰۳. کدام عناوین با عبارتهای مربوط به خود مناسبت دارند؟

- الف) یاری امام توسط مأموم ← پرهیزکاری، کوشش، عفت و درستکاری
 ب) اسوه بودن بزرگان ← امور طبیعی و تحولات صنعتی
 ج) «اسوة حسنة» ← اهل بیت علیهم‌السلام
 د) تکرار عهد و پیمان ← استحکام بیشتر عهد

(۱) الف، ج (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د



(خارج ۱۴۰۱)

۵۰۴. اسوه بودن پیامبر اکرم (ص) و چگونگی بهره‌گیری از ایشان در کدام مورد بیان شده است؟

- ۱) چون همه کارهای ایشان مطابق دستور الهی بوده، باید مانند ایشان عمل نماییم.
- ۲) لازم است در حد امکان از ایشان پیروی نموده و خود را به سیره ایشان نزدیک‌تر نماییم.
- ۳) در توزیع اوقات شبانه‌روز مطابق با روش ایشان زمان خود را به دو دسته عبادت و کار تقسیم کنیم.
- ۴) در اموری که همواره برای بشر ارزش هستند و با تحولات طبیعی تغییر می‌کنند از ایشان پیروی کنیم.

(ریاضی ۱۴۰۱)

۵۰۵. کدام مورد، ثمره محاسبه اعمال است و در کلام امیرالمؤمنین (ع) به کدام ثمرات آن اشاره شده است؟

- ۱) سرزنش و عتاب شخص به خودش - استقال الذنوب و اصلاح العیوب
- ۲) سرزنش و عتاب شخص به خودش - حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا
- ۳) شناخت عوامل موفقیت و عدم موفقیت - استقال الذنوب و اصلاح العیوب
- ۴) شناخت عوامل موفقیت و عدم موفقیت - حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا

(تجربی ۱۴۰۱)

۵۰۶. مهم‌ترین ثمره توجه به عبارت قرآنی «رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است»، در کدام مورد آمده است؟

- ۱) الگوهای ایشان را در زبان قرآن به پیروانشان معرفی می‌نماید.
- ۲) پیروی از الگوها موجب تسریع در حرکت به سوی هدف می‌شود.
- ۳) وجود یک الگو، موفقیت‌آمیز بودن تجربه اولیای الهی را ثابت می‌کند.
- ۴) راهنمایی‌های قرآن کریم برای حرکت به سوی هدف را برجسته می‌سازد.

(انسانی ۱۴۰۱)

۵۰۷. عملی ساختن انتخابی که با بهره‌گیری از قدرت تعقل و اختیار انجام شده، با توجه به کدام توصیه امکان‌پذیر می‌شود؟

- ۱) «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِذَا شَاكَرُوا وَإِنَّا كَفَرْنَا»
- ۲) «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»
- ۳) «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»
- ۴) «وَاضْبِرْ عَلَيَّ مَا أَضَابَكَ مِنْ ذَلِكَ مِنْ غَزْمِ الْأُمُورِ»

(خارج ۱۴۰۰)

۵۰۸. لقمان حکیم به فرزندش در مورد راه و رسم زندگی چه سفارشی کرده است؟

- ۱) «قُلْ إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْتَرِيًّا وَفَرَادَى»
- ۲) «وَأَضْبِرْ عَلَيَّ مَا أَضَابَكَ مِنْ ذَلِكَ مِنْ غَزْمِ الْأُمُورِ»
- ۳) «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»
- ۴) «أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»

(انسانی خارج ۱۴۰۰)

۵۰۹. بعد از مرحله دوم گام گذاشتن در مسیر بندگی و قرب الهی و همچنین برای ثابت ماندن در این راه، نوبت کدام عمل فرا می‌رسد؟

- ۱) اگر در انجام عهد خود موفق بوده‌ایم، خوب است خدا را سپاسگزار باشیم.
- ۲) باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد که رضایت خدا را در پی دارد.
- ۳) از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی‌تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم.
- ۴) با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه را برای رسیدن به این هدف مشخص کرده، انجام دهد.

(ریاضی ۱۴۰۰ / ترکیبی با درس ۵ دهم)

۵۱۰. با توجه به سخن امیرالمؤمنین (ع)، گذشت ایام چه آفتی را در پی دارد و کدام اقدام، آن را از سر راه بر می‌دارد؟

- ۱) از هم‌گسیختگی تصمیم‌ها و کارها - باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد
- ۲) تاب نیاوردن در برابر تندباد حوادث - باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد
- ۳) از هم‌گسیختگی تصمیم‌ها و کارها - انتخاب بهترین زمان‌ها برای عهد بستن با خدا
- ۴) تاب نیاوردن در برابر تندباد حوادث - انتخاب بهترین زمان‌ها برای عهد بستن با خدا

(هنر ۱۴۰۰)

۵۱۱. زیرک‌ترین انسان‌ها از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) به کدام دستور پیامبر گرامی اسلام (ص) عمل می‌کنند؟

- ۱) سنت نیکی را در جامعه جاری سازد تا مردم به آن عمل کنند.
- ۲) به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از این که به حساب شما برسند.
- ۳) هم‌نشینی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد، زیرا او مایه انس تو خواهد بود.
- ۴) فراوان به یاد خداوند هستند و بهتر از دیگران خود را برای دیدار او آماده می‌کنند.

نکته: اقامه نماز با خواندن آن فرق دارد. اقامه به معنای انجام درست و صحیح نماز و رعایت آداب آن است.

۷۴۸. تأثیر نماز به تداوم و میزان دقت و توجه ما بستگی دارد.

۷۴۹. اگر شخص مسافر، قبل از ظهر در وطن باشد و بعد از ظهر به سفر برود، می‌تواند روزه‌اش را ادامه دهد. برای اینکه نمازش هم کامل باشد، باید قبل از مغرب بازگردد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۱ کسی که قبل از اذان ظهر سفر نماید (صبح حرکت کرده است) و بعد از ظهر به وطن برسد، این مسافر نمی‌تواند در آن روز، روزه بگیرد. گزینه ۲ این گزینه نیز مانند گزینه اول است، زیرا قبل از اذان ظهر سفر کرده، همچنین مشخص نیست که رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ بوده یا خیر. گزینه ۳ در این گزینه نیز چون مشخص نیست رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ بوده یا خیر، در نتیجه نادرست است.

۷۵۰. کسی که برای انجام کار حرام سفر کند مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه‌اش را بگیرد و نمازش را کامل بخواند. توجه کنید کمک به طاغوت از مصادیق کار حرام است.

۷۵۱. از آنجا که این شخص پیش از ظهر به وطن رسیده، روزه‌اش صحیح است به شرط اینکه پس از اذان صبح کاری را که مبطل روزه باشد، انجام نداده باشد. دقت کنید در گزینه «۱» چون قید «در حین سفر» آمده اشتباه است، چون حین سفر هم شامل قبل از اذان صبح می‌شود و هم بعد از اذان صبح. بنابراین اگر قبل از اذان صبح عملی که روزه را باطل می‌کند، انجام داده باشد مشکلی نیست، ولی اگر پس از اذان صبح مبطلات روزه را انجام ندهد، باید روزه‌اش را بگیرد.

۷۵۲. توجه کنید که این سؤال در کتاب درسی با بیان حکم کلی آمده است. کسی که با خوردن آب روزه‌اش را عمداً باطل کند، مشمول این حکم می‌شود: «اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً باطل کند، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم کفاره بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد.» در این حالت، در انتخاب کفاره مخیر است.

اما کسی که با خوردن خاک روزه‌اش را عمداً باطل کند، مشمول این حکم می‌شود: «اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، کفاره جمع بر او واجب می‌شود.» و باید دقت کنید که خوردن خاک حرام است. با توجه به این دو حکم کلی، گزینه «۳» صحیح است.

۷۵۳. اگر قرار باشد روزه کسی که قصد دارد به سفری برود و ۱۰ روز یا بیشتر در آنجا بماند صحیح باشد، باید یا اذان ظهر را در وطن باشد و یا در مقصدی که قرار است به آنجا برود.

چنین شخصی باید تا حد ترخص روزه‌اش را نگه دارد و وقتی به ۴ فرسخ شرعی رسید می‌تواند روزه خود را افطار کند.

۷۵۴. چون فرد مسافر می‌خواهد ده روز بماند، باید نمازهای پس از آن را کامل بخواند و با توجه به اینکه بعد از ظهر رسیده، آن روز را نمی‌تواند روزه بگیرد.

نکته: فرض کنید قرار است از تهران که وطن شماست به سمت شهر اراک بروید و بیش از ۱۰ روز آنجا بمانید.

در این شرایط هم در تهران روزه شما درست است و هم در شهر اراک: اما سؤال اینجاست که تکلیف روز رفت و روز برگشت چی میشه؟

در روز رفت و برگشت ملاک صحت روزه شما اینه که اذان ظهر رو یا در وطن باشید یا جایی که ۱۰ روز یا بیشتر در آن مستقر بودید. پس روز رفت و برگشت، موقع اذان ظهر باید یا توی تهران باشید یا اراک.

۷۵۵. اگر قرار باشد روزه کسی که قصد دارد به سفری برود و ۱۰ روز یا بیشتر در آنجا بماند، صحیح باشد، اذان ظهر را یا باید در وطن باشد یا در مقصدی که قرار است به آنجا برود. پس این شخص اگر قبل از ظهر، روزه‌اش را باطل نکرده باشد موظف است روزه آن روز را بگیرد، چراکه ظهر را در مقصد بوده است. در مورد نماز نیز، اگر می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، باید نمازهای پس از آن را کامل بخواند.

۷۳۸. ارتکاب معصیت یعنی انجام گناه، فقط در مواردی است که فرد، عمداً مرتکب کار حرامی شود. چراکه هر کاری اگر سهواً (غیرعمد) باشد هیچ گناهی ندارد. کسی می‌تواند روزه بگیرد که اگر غسل بر او واجب است تا قبل از اذان صبح یا غسل کند یا تیمم نماید. پس از طلوع آفتاب مهم نیست!

۷۳۹. در این آیه شریفه به چهار عمل حرام اشاره شده است: شراب، قمار، بت پرستی، تیرک‌های بخت‌آزمایی! همراه آمدن این چهار عمل حرام، نشانه اوج حرام بودن آن‌هاست. در ادامه آیه شراب از ناحیه شیطان و عاملی برای ایجاد کینه و دشمنی میان مردم بیان شده است.

۷۴۰. یکی از شروط برای مسافری که باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد این است که رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد. بنابراین کسی که مسافت رفت او ۳ فرسخ است، باید نماز و روزه‌اش را کامل انجام دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۲ کسی که رفت او کمتر از ۴ فرسخ و برگشتش کمتر از ۸ فرسخ نباشد، به عبارتی باید رفت او ۴ فرسخ باشد: ولی چون در این گزینه برگشتش کمتر از ۸ فرسخ نیست، بنابراین رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ می‌شود و مسافر بوده و نمازش شکسته است. گزینه ۳ کسی که رفت و برگشت او ۸ فرسخ باشد و رفت او بیش از نیمی از آن، یعنی بیش از ۴ فرسخ است، مسافر محسوب می‌شود و نمازش شکسته است. گزینه ۴ شخصی که هر کدام از مسافت‌های رفت و برگشت او کمتر از ۴ فرسخ نباشد، یعنی مسافت رفت او بیشتر از ۴ فرسخ بوده و مجموعه رفت و برگشت او بیش از ۸ فرسخ است؛ بنابراین مسافر محسوب شده و نمازش شکسته است.

۷۴۱. از آنجایی که این کار از روی عمد انجام شده است، هم قضای روزه و هم کفاره بر او واجب می‌شود.

دقت کنید: چون با حرام روزه را باطل نکرده است، کفاره جمع لازم نیست.

۷۴۲. اگر کسی در ماه رمضان عمداً روزه نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم کفاره بدهد؛ یعنی برای هر یک روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سر هم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد (به هر فقیر یک مد) و این کار باید تا قبل از رمضان آینده انجام شود.

۷۴۳. کسی که در ماه رمضان عمداً روزه نگیرد وظیفه دارد قضای آن را به جا بیاورد و کفاره هم بر گردن او خواهد بود.

کفاره جمع برای کسی است که روزه باشد و با چیز حرامی آن را باطل کند.

۷۴۴. از آنجا که طول مسیر رفت به شهر «الف» بیش از ۴ فرسخ و مدت اقامت او در آن شهر کمتر از ۱۰ روز است پس مسافر محسوب شده و نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد؛ اما در مورد شهر «ب» با وجود طول مسیر بیش از ۸ فرسخ رفت، به دلیل اقامت بیش از ۱۰ روز (دو هفته معادل ۱۴ روز) دیگر مسافر محسوب نشده و آنجا در حکم وطن اوست، پس هم نمازش کامل است و هم می‌تواند روزه بگیرد.

۷۴۵. کسی که پیش از ظهر سفر می‌کند چون زمان اذان ظهر در وطن خود حضور ندارد، روزه‌اش صحیح نیست؛ پس باید تا حد ترخص روزه خود را نگه دارد و بعد از آن افطار کند؛ اما کسی که بعد از ظهر سفر می‌کند، چون اذان ظهر را در وطن خود بوده است، موظف است روزه خویش را کامل کند.

۷۴۶. اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و ماه رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مد (تقریباً ۷۵ گرم) گندم و جو مانند آن‌ها به فقیر بدهد.

۷۴۷. وعده الهی که در آیه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» آمده است، همان دوری از گناهان است.

با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم، به تدریج چنان تسلطی بر خود می‌یابیم که می‌توانیم در برابر متکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم. اگر تلاش کنیم روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن که دوری از گناه است خواهیم دید که این موضوع از عبارت قرآنی «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ» قابل فهم است.



۷۶۶. ۴ اگر این شخص روزه‌اش را قبل از رسیدن به وطن باطل نکرده است، چون ظهر را در مقصد بوده است باید روزه را بگیرد، اما اگر روزه‌اش را قبلاً باطل کرده است، چون مسافر بوده فقط باید قضای آن را به جا آورد.

۷۶۷. ۲ هر گاه دنبال آرامشی فراگیرم و محتاج محیطی امن و سازنده، در طبیعت خداوند قدم می‌گذارم و دل به نغمه‌های خوش آهنگ آن می‌سپارم تا پایانی باشد بر ناخوشایندی و خستگی‌های زندگی روزمره. برخی انسان‌ها در برخی نیازهایشان کاملاً غرق می‌شوند و به افراط (زیاده‌روی) دچار می‌شوند.

۷۶۸. ۱ آراستگی به معنای مرتب و منظم کردن خود و بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو است. هر انسانی به‌طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد.

۷۶۹. ۱ پیشوایان ما هم در آراستگی باطنی خود تلاش می‌کردند و آراسته به زیبایی‌های اخلاقی همچون ادب، سخاوت، حسن خلق و... بودند و هم به آراستگی ظاهری خود توجه داشتند.

با توجه به سخن پیامبر ﷺ خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده‌اش به سوی دوستان خود می‌رود، آماده و آراسته باشد.

۷۷۰. ۳ پیامبر ﷺ با وجود اینکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می‌کرد اما به زنان توصیه می‌کرد ناخن‌های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است؛ همچنین به مردان می‌فرمود: «سبیل و موهای خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما می‌افزاید.»

۷۷۱. ۴ نیاز به مقبولیت در دوره جوانی و نوجوانی، نمود بیشتری دارد و سبب می‌شود که جوان و نوجوان، بیشتر به خود بپردازد و توانایی و استعدادهايش را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد.

۷۷۲. ۳ عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن انسان خود را در برابر تندروی‌ها و کندروی‌ها کنترل می‌کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانه‌روی پیش رود و از آن خارج نشود.

۷۷۳. ۳ برخی انسان‌ها در آراستگی و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی می‌شوند؛ به گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی (افراط) می‌کنند و به خودنمایی می‌رسند.

یک انسان عقیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه، گریزان نیست؛ اما خود را بالارزش‌تر از آن می‌داند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست آورد.

۷۷۴. ۲ برخی انسان‌ها در آراستگی و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی می‌شوند. قرآن کریم این حالت را «تبرج» می‌نامد. زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

۷۷۵. ۴ انسان عقیف، چه مرد و چه زن، خود را کنترل می‌کند و آراستگی خود را در حد متعادل نگه می‌دارد و به «تبرج» دچار نمی‌شود. انسان عقیف زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی‌دهد که به شخصیت انسانی او اهانت شود. او حیا می‌کند که برخی به خاطر امور سطحی و کوچک، زبان به تحسین و تمجید او بکشایند. او در وجود خود استعداد و ارزش‌های برتر و والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد.

۷۷۶. ۲ به همان میزان که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او سبک‌تر می‌شود و جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد.

۷۷۷. ۴ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.»

۷۷۸. ۲ زن مظهر جمال خلقت است و این زیبایی هم مربوط به باطن و هم مربوط به ظاهر اوست.

۷۷۹. ۴ احساسات لطیف زن (معلول) بیانگر زیبایی‌های درونی (علت) اوست و عرضه نابجای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به خانواده، عفت و حیا را از بین می‌برد.

۷۵۶. ۱ ثمره عمل به دو دستور «نماز» و «روزه» تقوای الهی است که در گزینه‌های «۱» و «۲» آمده است. اما در صورت سؤال بر یک کلیدواژه تأکید شده که باید به آن دقت کنید و آن کلمه «امکان» است که فقط در عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ «باشد که تقوا پیشه کنید» آمده است.

۷۵۷. ۱ کسی مسافر محسوب می‌شود که رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموع رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد. با توجه به این شروط که در کتاب درسی آمده، اگر کسی به شهری برود که راه رفت آن بیش از ۴ فرسخ شرعی باشد، بستگی به مسافت مسیر برگشت او دارد که اگر کمتر از ۸ فرسخ باشد، مسافر محسوب نمی‌شود و اگر بیشتر از ۸ فرسخ باشد، مسافر است و باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

توجه کنید در خصوص این سؤال اختلاف نظر وجود دارد و برخی معتقدند که گزینه «۳» نیز درست است. اما طراح کنکور گزینه «۱» را پاسخ صحیح دانسته است.

۷۵۸. ۲ توجه به بزرگی خدا در هنگام گفتن تکبیر سبب می‌شود که غیر خدا در دل ما جای نگیرد.

۷۵۹. ۳ چون این فرد در شهر «الف» کمتر از ۱۰ روز می‌ماند، نمازش شکسته است و روزه‌اش صحیح نیست؛ اما در شهر «ب» نمازش کامل و روزه‌اش صحیح است.

۷۶۰. ۴ قرآن کریم راه‌های متعددی را برای کسب تقوا به ما نشان داده که دو مورد مهم از آن‌ها نماز و روزه است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مثل آدم‌های باتقوا، مثل سوار کارانی است که بر اسب‌های رام سوار شده‌اند.»

۷۶۱. ۴ منظور از اینکه سفر موجب منع روزه نمی‌شود، این است که باید در سفر روزه بگیرد.

بررسی گزینه‌ها: گزینه ۱ اگر با نهدی پدر و مادر به سفر غیر واجب برود، باید روزه بگیرد. در صورت سؤال «روده» آمده، در نتیجه موجب منع روزه نمی‌شود. گزینه ۲ اگر کمتر از ده روز بماند، نباید روزه بگیرد. گزینه ۳ اگر برای انجام کار حرامی سفر کرده باشد، باید روزه بگیرد. در صورت سؤال «سفر نکرده باشد» آمده، در نتیجه موجب منع روزه نمی‌شود. گزینه ۳ چون رفتش کمتر از چهار فرسخ شرعی است، باید روزه بگیرد، زیرا یکی از شرایطی که به واسطه آن نباید روزه بگیرد آن است که رفتن او بیشتر از چهار فرسخ باشد، پس اگر کمتر بود، باید روزه بگیرد.

۷۶۲. ۲ چون ماده موجود در لای دندان را عمداً فرو برده است، پس روزه‌اش را به عمد باطل کرده و هم باید قضای آن را بگیرد و هم کفاره بدهد.

۷۶۳. ۲ فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.

۷۶۴. ۴ چون سفر فرزند حرام است، پس هم باید روزه‌اش را بگیرد و هم نمازش تمام است.

۷۶۵. ۱ روزه مصداق کامل‌ترین تمرین صبر در برابر خواهش‌های دل است که آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» به آن اشاره دارد و ثمره اصلی آن هم تقواست.

راهنما: یاری از نماز و روزه برای کسب تقوا

یکی از نکاتی که خیلی به شما در فهم دروس عمومی کمک می‌کند این است که بدونید نخ تسبیح درس چه موضوعیه و اصلاً درس با چه هدفی در بین سایر دروس گذاشته شده است. درس دهم هدف اصلیش این است که به مسئله تقوا بپردازد و اساساً موضوع درس، نماز و روزه نیست بلکه موضوع درس تقواست. اما اینکه چرا در قسمت اصلی درس به نماز و روزه پرداخته، به این دلیل است که نماز و روزه راه‌های کسب تقوا هستند.

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَهَيُّ مِنَ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» ← نماز می‌تونه ما رو از گناه دور کنه و راهی برای دستیابی به تقوا است.

«كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ... لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» ← روزه می‌تونه ما رو در زمرة متقین قرار بده. فقط دقت کنید که مطابق با آیات درس، تأثیر مستقیم نماز، دوری از گناه و به واسطه اون کسب تقواست؛ اما برای روزه عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» مستقیماً به کسب تقوا اشاره داره.